



Designing a desirable model to manage the spatial behavior of language islands in relation to the surrounding areas (case study: Khalkhal Kurds)

Hassan Samadzadeh¹, Ataala Abdi², Mohammad Nabi Karimi³

Received: 12 - 07 - 2023

PP. 1-40

Accepted: 16 - 09 - 2023

Abstract

Background and objective: diversity is one of the requirements of development in human societies. This development will be dependent upon the correct management of this diversity and the gaps created at different ethnic, linguistic and religious levels. The present research seeks to design an appropriate model to manage the spatial behavior of ethnic minority groups in relation to the surrounding majority aiming to identify the grounds to shape the spatial behavior of Khalkhal Kurds in relation to the surrounding majority group and the resulting policing, social and security consequences.

Method: In order to design the mentioned model, the qualitative research method with exploratory approach was used. To do so, 27 experts and relevant elites were selected with two targeted and snowball strategies and were interviewed in depth until the convergence of the answers was reached. Data analysis was conducted using qualitative content analysis method in formal type. The conceptualization of the findings is also result from open, central and selective coding in the "Max Kyuda" software platform.

Findings: The findings of the research indicate that the non-recognition of the Kurdish minority by the majority group, ethnic and linguistic superiority, ethnic inequality and discrimination between the minority and the majority, contempt and insult to the minority and non-valuation of the patriotism of the minority by the majority group are some of the most important factors of dissatisfaction in this research.

Conclusion: The final results of the research show that as a result of three main factors of "deprivation", "discrimination" and "humiliation", the Kurds of Khalkhal have adopted a different behavioral pattern different from the surrounding majority group, and if not properly managed, it can lead to serious policing, social and, as a result, security challenges for the region and even the country. In this research, the optimal model to manage the spatial behavior of language islands in relation to the surrounding areas has been designed.

Keywords: spatial behavior, linguistic islands, ethnic minority, Kurd, Khalkhal.

Reference: Samadzadeh, Hassan; Abdi, Ataala; Karimi, Mohammad Nabi. (2023). "Designing a desirable model to manage the spatial behavior of language islands in relation to the surrounding areas (case study: Khalkhal Kurds)". *Quarterly Journals of East of Tehran Province Police Science*, 11(42), pp. 1-40.

1- Ph.D. student, Department of Political Geography, Faculty of Geographical Sciences, Kharazmi University.(Email:hsk.shatranloo@gmail.com).

2- Associate Professor of Political Geography, Department of Political Geography, Faculty of Geographical Sciences, Kharazmi University (corresponding author's email: ataabdi@khu.ac.ir).

3- Professor of Foreign Languages Education Department, Faculty of Literature and Human Sciences, Kharazmi University. (Email: karimi_mn@khu.ac.ir).

مقاله: پژوهشی

طراحی الگوی مطلوب مدیریت رفتار فضایی جزایر زبانی در رابطه با نواحی پیرامونی (مورد مطالعه: کردهای خلخال)

حسن صمدزاده^۱، عطاءاله عبدی^۲، محمدنبی کریمی^۳

پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۲۵

از صفحه ۱ تا ۴۰

دریافت: ۱۴۰۲/۰۴/۲۱

چکیده

زمینه و هدف: تنوع یکی از ملزومات توسعه در جوامع بشری است. این توسعه مشروط به مدیریت صحیح این تنوع و شکاف‌های به وجود آمده در سطوح مختلف قومی، زبانی و دینی خواهد بود. پژوهش حاضر با هدف شناسایی زمینه‌های شکل‌گیری رفتار فضایی کردهای خلخال در رابطه با گروه اکثریت پیرامون و پیامدهای انتظامی، اجتماعی و امنیتی حاصل از آن، به دنبال طراحی الگوی مطلوب مدیریت رفتار فضایی گروه‌های اقلیت قومی در رابطه با اکثریت پیرامونی است.

روش: به منظور طراحی الگوی یادشده، از روش پژوهش کیفی با رویکرد اکتشافی استفاده شد. به این منظور، تعداد ۲۷ نفر از صاحب‌نظران و خبرگان مربوطه با دو راهبرد هدفمند و گلوله‌بری انتخاب و تا رسیدن به هم‌گرایی جواب‌ها مورد مصاحبه عمیق قرار گرفتند. تجزیه و تحلیل داده‌ها به روش تحلیل محتوای کیفی از نوع قراردادی انجام شد. مفهوم‌سازی یافته‌ها نیز حاصل کدگذاری باز، محوری و انتخابی در بستر نرم‌افزار «مکس کیودا» است. یافته‌ها: یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که به رسمیت نشناختن اقلیت کرد از سوی گروه اکثریت، تخاصر و برتری‌طلبی قومی و زبانی، نابرابری قومی و تبعیض بین اقلیت و اکثریت، تحقیر و توهین به اقلیت و بی‌اهمیت‌ارزش‌نگذاشتن به حب وطن اقلیت از سوی گروه اکثریت، از مهم‌ترین عوامل ناراضی‌آینی این پژوهش است. نتیجه‌گیری: نتایج نهایی پژوهش نشان می‌دهد که در نتیجه سه عامل اصلی «محرومیت»، «تبعیض» و «تحقیر»، کردهای خلخال الگوی رفتاری متفاوتی را با گروه اکثریت پیرامونی در پیش گرفته و در صورت عدم مدیریت صحیح، می‌تواند چالش‌های جدی انتظامی، اجتماعی و به تبع آن، امنیتی برای منطقه و حتی کشور به دنبال داشته باشد. در این پژوهش، الگوی مطلوب مدیریت رفتار فضایی جزایر زبانی در رابطه با نواحی پیرامونی طراحی شده است.

کلیدواژه‌ها: رفتار فضایی، جزایر زبانی، اقلیت قومی، کرد، خلخال.

استناددهی (APA): صمدزاده، حسن؛ عبدی، عطاءاله؛ کریمی، محمدنبی. (۱۴۰۲). «طراحی الگوی مطلوب مدیریت رفتار فضایی جزایر زبانی در رابطه با نواحی پیرامونی (مورد مطالعه: کردهای خلخال)». پژوهشنامه جغرافیای انتظامی، ۱۱(۴۳)، صص ۱-۴۰.

۱- دانشجوی دکتری گروه آموزشی جغرافیای سیاسی، دانشکده علوم جغرافیایی، دانشگاه خوارزمی. (رایانامه: hsk.shatranloo@gmail.com)

۲- دانشیار جغرافیای سیاسی، گروه آموزشی جغرافیای سیاسی، دانشکده علوم جغرافیایی، دانشگاه خوارزمی (رایانامه نویسنده مسئول: ataabdi@khu.ac.ir)

۳- استاد گروه آموزشی زبان‌های خارجی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه خوارزمی. (رایانامه: karimi_mn@khu.ac.ir)



اقوام به‌ویژه اقلیت‌ها، سهم به‌سزایی در توسعه و پیشرفت، صلح یا منازعات داخلی و خارجی کشورها دارند (یاوری بافقی و دیگران، ۱۳۹۲، ص ۱۳۵). تحقق این توسعه مشروط به مدیریت صحیح این تکثر و شکاف‌های به‌وجود آمده در سطوح مختلف گروه‌های قومی، زبانی، دینی و مذهبی خواهد بود. اگر این شکاف‌ها مدیریت نشوند، افزایش نارضایتی را در پی داشته و زمینه برای تشدید اختلافات فراهم خواهد شد. به بیان دیگر، افزایش این شکاف می‌تواند منشاء ایجاد چالش‌ها و تهدیدات اجتماعی-سیاسی و امنیتی برای یک کشور باشد.

ایران از این قاعده مستثنی نبوده و متأسفانه بر اساس شواهد موجود، به سمت افزایش شکاف‌ها حرکت می‌کند. در این میان، شهرستان خلخال با داشتن گروه‌های قومی و زبانی متعدد (ترک، کرد، تات و در همسایگی آن‌ها، تالش) متنوع‌ترین ترکیب قومی و زبانی را در استان اردبیل دارد و همین موضوع، پتانسیل قومی-زبانی و حتی رویارویی را در منطقه ایجاد می‌کند و به‌عنوان عنصر اثرگذار ژئوپلیتیک قابل بحث و بررسی است.

نکته حائز اهمیت در علم ژئوپلیتیک، نوع رفتار اقلیت‌ها نسبت به گروه اکثریت پیرامون و حتی دیگر گروه‌های اقلیت مجاور می‌باشد که می‌تواند به اشکال مختلف (تعامل، رقابت، تقابل، سلطه و نفوذ) نمود پیدا کند (حافظ‌نیا، ۱۳۹۶، ص ۴۹۲). از طرفی، با مطالعه تاریخ سیاسی منطقه درمی‌یابیم که به‌رغم وجود تعاملات اقتصادی، اجتماعی و حتی فرهنگی میان اقوام ساکن در منطقه همواره میان آن‌ها، بخصوص کردها و ترک‌ها، کنش متقابل بوده است (صمدزاده، ۱۳۹۴، صص ۱۳۴-۲۹۵).

امروزه، تحت تأثیر عوامل متعدد داخلی و خارجی هم‌چون جهانی‌شدن، رسانه‌ها (به‌خصوص فضای مجازی و اینترنت)، برقراری ارتباط و پیوندهای هویتی با گروه متجانس داخل و خارج کشور، حمایت احزاب و گروه‌های مخالف، تحریک نیروهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای و... خرده‌فرهنگ‌های قومی



در کشور تقویت شده است. در نتیجه این امر، گروه‌های اقلیت قومی الگوی رفتاری متفاوتی را با گروه قومی مرکزی و حتی گروه اکثریت پیرامونی در پیش گرفته و رفتار فضایی و سیاسی جدیدی را بروز خواهند داد. متأثر از این وضعیت، کردهای خلخال نیز با توجه به ویژگی‌های خاص خود و در نتیجه شکاف ایجاد شده بین آن‌ها با گروه اکثریت ترک‌زبان و حتی با دیگر گروه اقلیت مجاور (تالشان)، الگوی رفتاری متفاوتی را در پیش گرفته و در صورت عدم مدیریت صحیح، می‌تواند چالش‌های جدی اجتماعی، سیاسی و به تبع آن، امنیتی برای منطقه و حتی کشور به دنبال داشته باشد. از این رو می‌توان گفت، شهرستان خلخال می‌تواند نمونه بارزی از گسل‌های فعال قومی و چالش‌برانگیز در کشور باشد.

با این توصیف، مسئله اصلی این پژوهش «نبود سازوکار مشخص برای شناسایی ابعاد، عناصر و شیوه‌های رفتار فضایی جزایر زبانی در رابطه با اکثریت پیرامون و جهت دادن و مدیریت کردن آن» می‌باشد؛ فرایندی که روند آن متأثر از عوامل مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و... روز به روز در حال افزایش بوده و می‌تواند منجر به توسعه‌نیافتگی و عقب‌ماندن اقلیت کردزبان از فرایند توسعه شود.

از این رو، برای مدیریت الگوهای رفتاری جزایر زبانی و پاسخ‌گویی به نیازها و خواسته‌های اقلیت‌های قومی کشور «مدیریت رفتار فضایی جزایر زبانی در رابطه با اکثریت پیرامون و ارائه راهبردهای مطلوب برای جهت دادن و مدیریت کردن روابط اجتماعی اقوام» ضروری است. این در حالی است که به‌رغم مسائل فوق، تجربیات جهانی نشان می‌دهد که راهبردهای متعددی برای اداره کشورها و متناسب با شرایط جغرافیایی وجود دارد و این راهبردها توانسته‌اند مطالبات و خواسته‌های اقلیت‌های قومی کشور را مدیریت و اثرات منفی تنوع قومی را به حداقل برسانند. از طرفی، با نگاهی به شیوه مدیریت جوامع پیشرفته (دارای جمعیت نامتجانس) در می‌یابیم که تنوع قومی می‌تواند نه به چالش، بلکه به فرصتی برای شکوفایی و پیشرفت بدل شود؛ بنابراین رسیدن به این توسعه در



کشور، مشروط به مدیریت صحیح این تنوع و شکاف‌های بوجود آمده در سطح گروه‌های قومی، زبانی، مذهبی و... خواهد بود.

با این توصیف، تصور نوع رفتار احتمالی کردها با گروه‌های قومی پیرامون و مدیریت صحیح آن، نیازمند مطالعه دقیق بسترها و زمینه‌های مؤثر در بروز رفتار فضایی آتی آنان است که نتایج حاصل از آن، علاوه بر توسعه ادبیات نظری در جامعه علمی، اطلاعات مفید و ارزشمندی را برای ارگان‌های سیاست‌گذار، تصمیم‌ساز و اجراکننده فراهم می‌کند. در اهمیت این پژوهش نیز باید گفت که توجه به تفاوت‌ها و هویت‌های منطقه‌ای و محلی در استقرار امنیت پایدار کشور ضروری و الزامی است. هم‌چنین، نقش‌آفرینی تاریخی گروه اقلیت کردزبان در سیاست منطقه‌ای به بزرگی آذربایجان و گیلان (به‌ویژه در دوره مشروطه) و داشتن استعداد در بروز رفتار جدید، اهمیت پرداختن به موضوع را دوچندان کرده است. بنابراین پژوهش حاضر با هدف «شناسایی بسترها و زمینه‌های شکل‌گیری رفتار فضایی کردهای خلخال در رابطه با گروه اکثریت پیرامون و پیامدهای انتظامی، اجتماعی و امنیتی حاصل از آن» در پی پاسخ‌گویی به این پرسش اصلی است که الگوی مطلوب مدیریت رفتار فضایی کردهای خلخال در رابطه با ناحیه پیرامونی دارای چه ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌هایی است؟

پیشینه و مبانی نظری

در بررسی پیشینه پژوهش، پژوهشی با این عنوان یافت نشد؛ اما مرتبط با موضوع، پژوهش‌هایی مورد مطالعه قرار گرفته‌اند که در جدول شماره یک آمده است:

جدول شماره ۱: پیشینه پژوهش (داخلی و خارجی)

نویسنده/گان سال	عنوان	نتایج
رحمتی‌نژاد و همکاران ۱۳۹۶	اجتمــــاعی سایر عوامل اجتماعی، سیاسی و اقتصادی، شبکه پیچیده‌ای از آسیب‌شناسی روانی روابط علت و معلولی ایجاد کرده و افراد یک گروه را در معرض در گروه‌های اقلیت خطر اختلال و با مصون از چنین خطری قرار بدهد.	زمینه های فرهنگی- تفاوت‌های ذاتی بین گروه‌های اقلیت و اکثریت می‌تواند در کنار
زرقانی و بخشی ۱۳۹۴	بررسی و تحلیل عواملی هم‌چون نحوه نگرش حکومت به قومیت، میزان تنوع قومی	



نویسنده/گان سال	عنوان	نتایج
شادمهری	متغیرهای مؤثر بر و نسبت هر کدام از قومیت‌ها به کل جمعیت، جهانی شدن، ذهنیت الگویی رفتاری تاریخی اقوام، ویژگی‌های زیست‌محیطی و... بر الگوی رفتاری قومیت‌ها	
لوین و پریسلین ^۱	۲۰۲۰ نفوذ اکثریت و اقلیت	هیچ فشار آشکاری برای رسیدن به یک تصمیم مشترک وجود ندارد و تغییر ادراکی یا عقاید فردی متغیر اصلی وابسته است.
آبرامز، هاگ و مارکور ^۲	۲۰۰۴ روان‌شناسی اجتماعی اکثریت و اقلیت	این پژوهش روان‌شناسی اکثریت و اقلیت را در قالب روابط میان افراد، گروه‌های کوچک، و دسته‌های بزرگ اجتماعی هم‌چون ملیت و قومیت مورد بررسی قرار می‌دهند.
سبک رفتاری ترجیحات اعضای هیل و مرویلده ^۳	۲۰۰۱ اقلیت و اکثریت که تعامل گروهی را	در این پژوهش بررسی کردند که آیا اعضای اقلیت و اکثریت احتمالی برای اعمال نفوذ اجتماعی در یک تعامل گروهی در آینده، تأثیرات بالایی را به سبک‌های خاص رفتاری نسبت می‌دهند؟ این فرضیه مطرح شد که ثبات، قاطعیت، صلاحیت و صداقت برای اقلیت‌ها به‌عنوان مؤثر ارزیابی می‌شود، در حالی که نقش موافق بودن برای اکثریت‌ها تأکید می‌شود. نتایج یافته‌ها فرضیه‌ها را تأیید کرد، و پیامدهای دیدگاه بازیگر در تأثیر اجتماعی مورد بحث قرار گرفته است.

واکاوی مطالعات انجام شده نشان می‌دهد که در هیچ‌کدام از آن‌ها به «رفتار فضایی گروه‌های اقلیت در رابطه با ناحیه پیرامونی» توجه نشده است. از این‌رو، در این پژوهش سعی بر این است تا ضمن شناخت عوامل شکل‌گیری رفتار فضایی جامعه هدف در ارتباط با ناحیه پیرامونی، پیامدهای حاصل از آن نیز شناسایی و به‌منظور جهت دادن و مدیریت کردن آن، الگوی بهینه طراحی شود؛ بنابراین نقطه قوت این پژوهش در این است که کارهای انجام‌شده، مسائل قومیت را صرفاً از دیدگاه سیاسی دیده‌اند، اما این پژوهش مسئله قومیت را از دیدگاه توسعه‌ای با رویکرد همه‌جانبه (سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، زیست‌محیطی و...) می‌بیند؛ چرا که بسیاری از مسائل قومی ریشه در توسعه‌نیافتگی و عقب ماندن قومیت از فرایند توسعه دارد.

1- Levine, John. M. & Prislina, Radmila
 2- Dominic Abrams & Michael E. Hogg & José Marcor
 3- Alain Van, Hiel & Ivan, Mervielde



جدول شماره ۲: نظریات مرجع پژوهش

بر اساس این نظریه، منشأ تضاد قومی ناشی از «مقایسه وضعیت قوم خود با دیگران» است. چنانچه فرد یا گروهی به وسیله‌ای نیاز داشته باشد یا به آن احتیاج پیدا کند و این موضوع را بفهمد یا ببیند که دیگران (افراد یا گروه‌های دیگر) بدان دست یافته‌اند و او نظریه محرومیت نسبی باوجود تمایل به آن، امکان به‌دست آوردنش را نداشته باشد، احساس بی‌عدالتی یا محرومیت نسبی خواهند کرد. این احساس عقب‌ماندگی از دیگران، در مقیاس فردی به پیدایش بغض، حسادت و دیگر واکنش‌های عاطفی علیه فرد یا گروه رقیب منجر می‌شود و در مقیاس اجتماعی به تشدید تضادهای بین گروهی می‌انجامد (صالحی امیری، ۱۳۸۵، ص ۸۸).

بر اساس این نظریه، تضاد قومی در درون دسته‌بندی‌های اجتماعی و منافع اقتصادی- اجتماعی قابل بررسی است. گوبوگلو، پدیده غصب موقعیت‌ها و فرصت‌های ممتاز اجتماعی به وسیله گروه قومی مسلط و نیز تأثیر تبعیض اجتماعی بر اساس ویژگی‌های قومی و نژادی را به‌عنوان کشف‌های عمده خود در نظر می‌گیرد و معتقد است که این تفاوت‌های اساسی اجتماعی، قومی و طبقاتی، قوی‌ترین انگیزه را برای وقوع تنش‌های بین قومی و درگیری‌های آشکار قومی ایجاد می‌کند (صالحی امیری، ۱۳۸۶، ص ۲۲).

بر اساس این نظریه، تضاد قومی مربوط به تفاوت‌های قومی و نژادی نیست، بلکه ناشی از رقابت میان گروه‌های مختلف بر سر منابع کمیاب مانند ثروت، قدرت و مقام است. گروهی که در این رقابت و تضاد پیروز می‌شود، «گروه غالب»، و سایر مدعیان، «گروه‌های اقلیت» نامیده می‌شوند. بعد از این مرحله، در گروه غالب، باورهای تحقیرآمیزی درباره پستی گروه و یا گروه‌های اقلیت به وجود خواهد آمد و این باورها را نیز برای اثبات حقانیت و ارائه برتری خود، مورد استفاده قرار خواهد داد. این گروه، تلاش گروه اقلیت را برای اثبات منابع خود، به‌عنوان تهدیدی علیه منافع خویش محسوب خواهد کرد و در نتیجه، فشار بیشتری را علیه گروه اقلیت اعمال خواهند کرد. به نظر دولارد، در ادامه، گروه اقلیت دچار احساس سرخوردگی و ناکامی شده و به پرخاش‌گری روی می‌آورد و خشونت رخ می‌دهد (نایپ‌پور و ویسیان، ۱۳۹۸، ص ۱۰۵).

این نظریه، یک نظریه روان‌شناسی اجتماعی در ارتباط با کاربرد زبان در جامعه است که به بررسی رفتارهای زبانی در مدت تماس میان گویندگان گروه‌های زبانی متفاوت می‌پردازد. این نظریه به توصیف تطابق گفتار در فرآیند تعامل می‌پردازد. مفهوم اصلی این نظریه این است که در یک تعامل اجتماعی، افراد شرکت‌کننده در تعامل انگیزه دارند که سبک گفتارشان را با یکدیگر تطبیق دهند. این تطابق برای کسب تأیید اجتماعی و سودمندی در ارتباط میان تعامل‌کنندگان و حفظ نگرش اجتماعی مثبت صورت می‌گیرد (دلارامی‌فر، ۱۳۹۵، ص ۱۲۳؛ به نقل از گایلز و کلیور، ۱۹۷۹).

1- Ted Robert Ger
2- Guboglu
3- Dollard
4- Giles



روش

این پژوهش بر اساس هدف، کاربردی و از لحاظ ماهیت، جزء پژوهش‌های کیفی از نوع تحلیل محتوا با رویکرد اکتشافی است. گردآوری داده‌ها با استفاده از تحلیل اسنادی و روش مصاحبه عمیق با رویکرد اکتشافی بود که مصاحبه‌ها تا رسیدن به هم‌گرایی جواب‌ها انجام شد. معیار قابلیت اطمینان یافته‌های پژوهش با بهره‌گیری از اصول چهارگانه لینکلن و گوبا^۱ (۱۹۸۵) شامل (باورپذیری، اطمینان‌پذیری، تأییدپذیری و تعمیم‌پذیری) بررسی شد.

جامعه آماری شامل آبادی‌های کردزبان مستقر در بخش مرکزی شهرستان خلخال (اعم از نخبگان، صاحب‌نظران و افراد عادی) است. هم‌چنین، برای شناسایی پیامدهای انتظامی، اجتماعی و امنیتی پدیده موردنظر، مصاحبه با کارشناسان شورای تأمین شهرستان نیز انجام شد. برای انتخاب نمونه‌ها از دو روش نمونه‌گیری «هدفمند» و «گلوله برفی» استفاده شد که در این رابطه، تعداد ۲۷ نفر تا حد «اشباع نظری» (فلیک، ۱۳۹۱) انتخاب شدند.

تجزیه و تحلیل داده‌ها به روش تحلیل محتوای کیفی با رویکرد قراردادی انجام شد. مفهوم‌سازی یافته‌ها نیز به روش استقرایی و بر اساس دیدگاه اشتراوس و کوربین (۱۳۷۸، ص ۵۵)، حاصل کدگذاری باز، محوری و انتخابی در بستر نرم‌افزار «مکس کیودا» انجام شد.

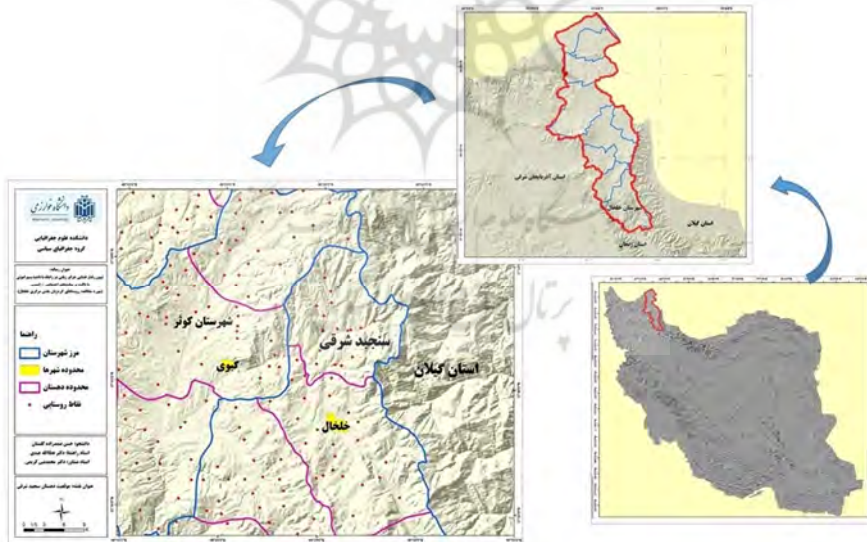
قلمرو پژوهش

محدوده مورد مطالعه، شامل ۱۷ آبادی کردنشین مستقر در بخش مرکزی خلخال است که تعداد زیادی در شهرهای خلخال، تالش، رشت، قائمشهر، شهر قدس و... پراکنده‌اند (صمدزاده، ۱۳۹۴، صص ۶۹-۵۷). آن‌ها بازماندگان گروه کثیری از این دست هستند که در نتیجه مهاجرت نسبتاً جدید (در دوره نادرشاه) از شمال خراسان به منطقه وارد شده‌اند (بازن، ۱۳۶۷، ص ۴۴۱). از نظر جغرافیایی، این آبادی‌ها با نام دهستان «سنجد شرقی» با مرکزیت

سال ۱۱، شماره ۴۳، پاییز ۱۴۰۲
پژوهشنامه جغرافیای انتظامی

طراحی الگوی مطلوب مدیریت رفتار فضایی جزایر زبانی در رابطه با نواحی پیرامونی (مورد مطالعه: کردهای خلخال)
حسن صمدزاده، عطاءاله عبدی، محمدنبی کریمی

«لنبر»، با پهنه‌ای حدود ۳۷۳/۳ کیلومتر مربع بین ۴۸ درجه و ۲۶ دقیقه تا ۴۸ درجه و ۳۸ دقیقه طول شرقی و بین ۳۷ درجه و ۳۹ دقیقه تا ۳۷ درجه و ۵۳ دقیقه عرض شمالی، است (سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، ۱۳۷۷) و با مرکز استان (اردبیل) حدود ۱۰۲ کیلومتر فاصله دارد (شکل شماره یک). ارتفاع منطقه از ۱۷۰۰ تا ۳۰۱۰ متر متغیر است (جعفری، ۱۳۷۹، ص ۷۰). پیدایش قسمت اعظمی از این ناهمواری‌ها در نتیجه حرکات کوهزایی در دوره اتوسن از دوران سوم و قسمتی نیز در دوران چهارم زمین‌شناسی است (صمدزاده، ۱۳۹۴، ص ۲۹). منطقه شدیداً تحت تأثیر دو جریان هوایی عمده (قطبی قاره‌ای و مدیترانه‌ای) قرار دارد. میزان متوسط بارندگی، بین ۳۰۰ تا ۶۰۰ میلی‌متر در سال است. دارای حداکثر درجه حرارت، اغلب در مردادماه (۲۸+ درجه) و حداقل متوسطی برابر ۸/۴- درجه در بهمن‌ماه است. تعداد روزهای یخبندان، حدود ۱۱۹ روز در سال است. میزان رطوبت نسبی، از حداکثر ۷۹ درصد در آذرماه تا حداقل ۴۶ درصد در تیر و مردادماه متغیر است (ایستگاه سینوپتیک خلخال، اداره هواشناسی، ۱۴۰۰).



شکل شماره ۱: نقشه موقعیت منطقه مورد مطالعه



یافته‌ها

الف - یافته‌های توصیفی

جدول شماره ۳: مشخصات جمعیت‌شناختی نمونه مورد بررسی

شاخص	جنس	سن	تحصیلات					تأهل	محل سکونت
			دیپلم و زیر دیپلم	کاردانی	کارشناسی	کارشناسی ارشد	دکتری		
مرد	۲۴	۱۱	۴	۲	۸	۱۲	۴	۱۷	
زن	۳	۵	۳	۲	۲	۲	۲۴	۱۰	
تعداد									
درصد	۸۸/۹	۴۰/۸	۱۱/۱	۷/۴	۲۹/۷	۴۴/۴	۱۴/۸	۶۳	

ب - یافته‌های استنباطی

پرسش اول: بسترها و زمینه‌های شکل‌گیری رفتار فضایی روستاهای کرد زبان خلخال در رابطه با ناحیه پیرامونی کدامند؟

اصولاً بروز هر رفتار، دارای دلایلی مختص به آن رفتار است. به‌طور کلی، علت‌های اساسی بروز رفتارها را می‌توان در سه حوزه تعریف کرد:

- **علت‌های ظاهری:** گویای این حقیقت هستند که حادث شدن رفتارهای احتمالی ظاهراً به علت آن‌ها خواهند بود.

- **علت‌های اصلی یا زمینه‌ای:** نشان‌دهنده این هستند که هر واقعه و رفتاری با هر دلیل و انگیزه‌ای، برای بروز و ظهور باید شرایط و زمینه‌هایی داشته باشد که امکان بروز رفتار در آن شرایط فراهم شود.

- **علت‌های مداخله‌گر:** گویای آن هستند که علاوه بر علت‌های ظاهری و علت‌های زمینه‌ای، به‌عنوان عوامل کمک‌کننده یا تسریع‌کننده در بروز هر واقعه و رفتاری دخالت دارند.

پژوهشنامه جغرافیای انضمامی
سال ۱۱، شماره ۴۳، پاییز ۱۴۰۲

طراحی الگوی مطلوب مدیریت رفتار فضایی جزایر زیبای در رابطه با نواحی پیرامونی (مورد مطالعه: کردهای خلخال)
حسن صمدزاده، عطاءاله عبیدی، محمدنبی کریمی



مجموع این علت‌ها که می‌توانند تبیین‌کننده رفتار فضایی کردهای خلخال در ارتباط با دیگر گروه‌های قومی منطقه، به‌ویژه گروه اکثریت باشد، به هشت دسته قابل تقسیم هستند:

۱- عوامل اجتماعی: اصولاً چالش‌های امنیتی ریشه در فرآیندها و فعل‌و‌انفعالات اجتماعی دارد. نابرابری‌های اجتماعی (نابرابری در درآمد، ثروت، جایگاه قانونی و دسترسی به خدمات و قدرت سیاسی) نقشی مستقیم در تولید و تقویت اعتراضات داشته و می‌تواند بخش یا بخش‌هایی از جامعه را به سمت اعتراض، تنش و آشوب سوق دهد. حال، این واقعیت غیرقابل انکار است که بخشی از جامعه وضعیت را برای خود ناعادلانه ارزیابی می‌کند. دسترسی‌های ویژه برخی گروه‌های قومی به خدمات ویژه و امکانات خاص و احساس شهروند درجه دوم بخشی از هویت‌های قومی در کشور، از جمله واقعیت‌های غیرقابل انکار در زمینه نابرابری در جامعه ایرانی هستند. همین نابرابری‌ها، احساس تحقیر و طردشدگی اجتماعی را در جامعه نهادینه کرده است. این امر در پیدایش احساس محرومیت نسبی و اعتراض و همراه شدن آن با خشونت نیز نقشی غیرقابل انکار دارد. از طرفی، هرچند دولت مرکزی (به ظاهر) تلاش می‌کند به حقوق اقلیت‌ها در کشور احترام بگذارد، اما قدرت‌های محلی یا ناسیونالیسم‌های گروه اکثریت قومی سعی در نادیده‌گرفتن حقوق دیگر اقلیت‌ها و تحقیر آن‌ها دارند. در شهرستان خلخال این وضعیت به شدت از سوی پانترکیسم‌ها در حق دیگر اقلیت‌های منطقه، به‌ویژه کردها مشهود است و اغلب، آن‌ها را «شهروندان درجه دوم» می‌خوانند.

اقلیت‌پنداری، نکته حائز اهمیت دیگر در زمینه اجتماعی است. در فرهنگ سیاسی پیشرفته، منظور از اقلیت «نداشتن نقش مدیریتی و تصمیم‌سازی در مقیاس کلان و میانی سیاسی است و نه مفاهیم فرهنگی». این در حالی است که در منطقه، واژه «اقلیت» هم‌چنان به معنای قدیمی، یعنی مفهوم فرهنگی آن کاربرد دارد. از این‌رو، نخبگان علمی قومی و کاربران شبکه‌های اجتماعی به



استفاده از واژه «اقلیت» به معنای قدیمی، در گزارش‌ها و مکاتبات اداری و حتی گفت‌وگوهای محاوره‌ای اعتراض و انتقاد دارند.

از طرفی، مردم منطقه از لحاظ سیاسی و اجتماعی هنوز آمادگی لازم و کافی برای انتخاب مسئولان محلی با توجه به شایستگی‌های فردی آن‌ها ندارند و در انتخاب آن‌ها بیشتر به قوم و خویشاوندی گرایش دارند؛ این بدان معنا است که در منطقه شاهد شکل‌گیری رقابت‌های سیاسی و ائتلاف‌ها در امور سیاسی و اجتماعی نیستیم.

مجموع این عوامل اگر با عدم اقلان‌سازی معترضان نیز همراه باشد، از یک‌سو، زمینه را برای تقویت و توسعه ارتباطات اجتماعی درون و بیرون قومی گروه اقلیت کردزبان منطقه فراهم خواهد کرد و از سوی دیگر، به‌دلایل تنگناهای معیشتی، می‌تواند به مهاجرت باقی‌مانده کردها به شهرهای بزرگ و حاشیه‌نشینی آن‌ها منجر شود که خود، پیامدهای اجتماعی مهمی نظیر تشدید وضعیت بیکاری، شکل‌گیری مشاغل کاذب، رشد نابه‌نجار و بی‌رویه شهرها، کمبود امکانات رفاهی و خدماتی شهری، گسترش اعتیاد و جرم و آسیب‌های بی‌شمار دیگری را به‌دنبال خواهد داشت. هم‌چنین، تشدید اختلافات و تضادهای اجتماعی بین گروهی نیز می‌تواند به‌طور مستقیم منشأ بروز چالش‌هایی در منطقه باشد و یا به‌طور غیرمستقیم وبه عنوان عوامل تسهیل‌کننده و مداخله‌گر در ایجاد تنش عمل کند.

به‌طور کلی، در بررسی عوامل جامعه‌شناختی، در مرحله کدگذاری محوری ۱۱ مقوله عمده به شرح جدول شماره چهار احصاء شد.

جدول شماره ۴: مقولات مرتبط با عوامل اجتماعی

مؤلفه	شاخص
بسترهای اجتماعی	هم‌زادپنداری قوم
	ارتباطات اجتماعی
	محرومیت نسبی
	دگرگونی نسلی
	عدم اقلان‌سازی معترضان
	تضادهای اجتماعی



مؤلفه

شاخص

برچسب‌زنی اجتماعی

اقلیت‌پنداری

احساس طرد اجتماعی

تقابل قوم با شایسته‌شالاری

حاشیه‌نشینی

۲- عوامل سیاسی: بسترهای سیاسی از جمله مستعدترین حوزه‌ها برای تنش‌زایی قومی است. «هویت‌طلبی قومی» یا «قوم‌گرایی سیاسی»، زمینه و بستر مهمی است که در شکل‌گیری رفتار فضایی روستاهای کردزبان خلخال در رابطه با ناحیه پیرامون مؤثر شناخته شد. تحولات دو دهه اخیر در کردستان ترکیه (تلاش برای استقلال سیاسی به رهبری اوجلان)، عراق (تشکیل حکومت خودمختار) و سوریه (تشکیل کانتون‌های خودمدیریتی در سال ۲۰۱۲) تحقق برخی خواست‌های سیاسی و فرهنگی کردها را نشان می‌دهد که این تحولات بر مطالبات هویتی کردهای ایران نیز اثرگذار بوده است. کردهای خلخال نیز که با توجه به اطلاعات تاریخی، جنبش‌های متعددی از مقاومت و درگیری‌های حکام محلی را در کارنامه سیاسی خود دارند، تحت تأثیر این تحولات می‌توانند مستعد بروز تحولات جدید از جمله بروز تنش در منطقه باشند.

البته، در سال‌های اخیر، جنبش کردها بیش‌تر به صورت «مقاومت اجتماعی» ظاهر شده است. از لحاظ سیاسی، نشانه‌های این مقاومت به روشنی در رفتار انتخاباتی کردهای خلخال از سال ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۸ مشاهده شد. نموده‌های این مقاومت از لحاظ فرهنگی نیز شامل افزایش چاپ و انتشار کتب و نشریات کردی، نام‌گذاری کودکان به زبان کردی، تمایل جوانان به خواندن و نوشتن به زبان کردی، تمایل به سرودن اشعار و خواندن آواز به زبان کردی، تشکیل انجمن‌های ادبی و فرهنگی، برگزاری جشنواره‌های بومی و محلی، حمایت از تجمعاتی که در حمایت از دیگر کردهای کشور و یا سایر کشورها برگزار می‌شود، است که در نتیجه نقش‌نخبگان، گروه‌های مرجع، چاپ و



انتشار نشریات و کتاب‌های جدید قومی و هویت‌طلبانه، گسترش فزاینده شبکه‌های تلویزیون ماهواره‌ای کردی، شکل‌گیری اجتماعات مجازی قومی، بین‌المللی شدن مسئله کرد و تشدید روابط و مناسبات بین‌فرهنگی و اجتماعی کردها در نتیجه جهانی‌شدن فرهنگی شکل گرفته است. بر این مبنای می‌توان یکی از اساسی‌ترین چالش‌های امنیتی کشور در منطقه خلخال را ناشی از هویت‌جویی قومی یا بازتعریف هویت اجتماعی قوم کرد در نتیجه تأثیرگذاری عواملی که در بالا بدان اشاره شد، دانست. هرچند، نقش «توزیع نامتعادل عنصر قدرت» نیز در گرایش کردها به هویت‌طلبی قومی بی‌تأثیر نخواهد بود.

از طرفی، یکی از علل نارضایتی کردهای خلخال، احساسی است که آنان نسبت به وضعیت خود در خصوص تبعیض و رعایت نشدن حقوق شهروندی دارند. گروه‌های قومی یک ملت هنگامی که به دلیل سهم کم جمعیتی در ساختار ملت در اقلیت قرار می‌گیرند، به دلیل بدگمانی به حکومت غالباً احساس تبعیض قوی در بین‌شان وجود دارد و از این‌رو، هم این گروه‌های قومی در پی اقدامات اعتراضی هستند و هم حکومت‌ها به دلیل این رفتار اقلیت‌ها، نگرش و رفتار مناسبی با آن‌ها ندارند و این بر وسعت و تعمیق چالش می‌افزاید (گار، ۱۳۸۱، ص ۴۰۶). بر اساس این دیدگاه و مطابق باور عمومی مردم و نخبگان قومی، اقلیت‌های کشور به‌طور اعم و کردهای خلخال به‌طور اخص، مورد احترام دولت و به‌ویژه گروه اکثریت در منطقه نبوده و همواره نسبت به آن‌ها خصومت وجود دارد. برای این گروه از اقلیت، همواره این احساس وجود دارد که آن‌ها را جزئی از جمعیت و مردم این منطقه و شریک حاکمیت محلی نمی‌دانند. از این‌رو، منطقه کردنشین خلخال در چرخه‌ای از تبعیض و محرومیت گرفتار شده است. به نظر آن‌ها، این احساس تبعیض با کمک شاخص‌هایی هم‌چون بی‌اعتمادی یکسان دولت به اقوام، عدم دسترسی به قدرت، نابرابری فرصت‌های رشد، تقسیم ناعادلانه پست‌ها در مناطق قومی، فراهم نبودن شرایط استخدام برای ورود به دستگاه‌های دولتی و حاکمیتی، محدودیت برای گردش نخبگان قومی، وجود مانع قانونی در قبال خواست‌های قومی، سیستم نابرابر گزینش اقوام، احساس افزایش میزان بیکاری، توزیع نامتعادل خدمات، عدم دسترسی به



کالا و خدمات مطلوب و نیز عدم دسترسی به شبکه تلفن همراه و اینترنت مطلوب و نظیر آن، عملیاتی شده است.

به‌طور کلی، در بررسی عوامل سیاسی، در مرحله کدگذاری محوری ۱۰ مقوله عمده به شرح جدول شماره پنج احصاء شد.

جدول شماره ۵: مقولات مرتبط با عوامل سیاسی

مؤلفه	شاخص
سیاسی	نبود ساختار در دولت
	قوانین داخلی
	حقوق شهروندی
	اراده محلی
	سیاسی شدن قومیت کرد
	سیاسی شدن نارضایتی‌ها
	احساس تبعیض
	تحریکات اجتماعی
	الگوپذیری از نخبگان قومی
	تضادها و اختلافات سیاسی

۳- عوامل فرهنگی: «دگرگونی فرهنگی» را می‌توان به‌عنوان اصلی‌ترین و زیربنایی‌ترین بستر و زمینه در شکل‌گیری رفتار فضایی روستاهای کردزبان خلخال در رابطه با ناحیه پیرامون برشمرد. نگرش‌های عامه به ارزش‌ها، عقاید، ایدئولوژی‌ها، اشتراکات مذهبی و قومی، پایبندی به رسوم و آداب خاص و علاقه‌مندی و تعصب و تابعیت از گروه‌های قومی، فامیلی و باورهای عامه و بهره‌گیری و علاقه‌مندی به انجام هنرهای سمعی و بصری (اعم از شعر، موسیقی، فیلم، کتاب و نشریات و...) و رواج این هنرها در سطح جامعه، تلاش برای جایگزینی ارزش‌ها و باورهای فرهنگی از سوی گروه‌های جمعیتی اکثریت بر گروه‌های اقلیت، ازجمله مؤلفه‌ها و کارکردهای تنش‌زا در این حوزه است. آنچه حائز اهمیت است هم‌چون دیگر حوزه‌ها، چنان‌چه هر یک از مؤلفه‌های موردنظر در حوزه فرهنگی با فضای سیاسی و جهت‌گیری‌های سیاسی همراه شود، سیر تحول آن موضوع فرهنگی به سمت تنش و آشوب از سرعت



بیش‌تری برخوردار خواهد شد. بر اساس این دیدگاه و مطابق باور خیرگان پژوهش، شرایط فرهنگی در منطقه خلخال با توجه به تنوع و تکثر قومی-زبانی و مدرنیته و سنت‌گرایی، حوزه‌های متعددی را در بر گرفته است. مهم‌ترین حوزه‌ای که می‌تواند قابلیت بروز رفتار از سوی اقلیت کردزبان را داشته باشد، «زبان» است. بر اساس یافته‌های پژوهش، رفتار زبانی در میان کردهای خلخال از دو نظر حائز اهمیت فراوان است:

نخست، «رمزگردانی زبانی»: این گروه از باقی‌مانده کردها در شهرستان خلخال اکثراً به چهار زبان آشنایی دارند؛ یعنی بسته به موارد مختلف اجتماعی، علاوه بر زبان ترکی، به فارسی و زبان‌های اطراف دریای خزر (تالشی، گیلکی و حتی مازندرانی) تکلم می‌کنند. در این چندزبانگی، مردم کرد خوب می‌دانند کدام زبان را در کجا و کدام محیط به کار ببرند. وقتی در مرکز شهرستان یا استان به یک اداره می‌روند و طرف مقابل هم ترک‌زبان است، طبیعتاً به ترکی حرف می‌زنند و یا برای تجارت در بازارهای محلی گیلان و مازندران، بسته به محیط، به تالشی، گیلکی، مازنی و یا زبان کمکی (ترکی برای تالشان و فارسی برای گیلک‌ها و مازنی‌ها) صحبت می‌کنند؛ اما وقتی می‌خواهند صورت‌جلسه بنویسند و یا سندی رسمی تهیه کنند و امثالهم، از فارسی کار استفاده می‌کنند. در مدارس هم چیزی شبیه این وضع حاکم است. این شیوه استفاده از تنوع زبانی را «رمزگردانی» می‌گویند که هدف از آن، تطابق گونه‌های مختلف زبانی، لهجه و گویش بر طبق شرایط اجتماعی که در آن قرار دارند، می‌باشد.

دوم، «خطر تغییر یا انقراض زبان»: یافته‌های پژوهش نشان دادند که مهم‌ترین مشخصه قومی کردهای منطقه، یعنی زبان، سال‌هاست در معرض آفات گوناگونی رو به ضعف و اضمحلال گذاشته است و احتمال این‌که زبان کردی در منطقه خلخال تا چند نسل آینده به کلی از بین رفته و به‌دست فراموشی سپرده شود، خیلی زیاد است. بر اساس همین یافته‌ها، عواملی هم‌چون مهاجرت، گسترش ارتباطات و شهرنشینی، ازدواج‌های بین فرهنگی، اهداف و برنامه‌ریزی‌های سیاسی و محدودیت اعمال شده از سوی دولت نظیر



نبود پشتوانه آموزشی به زبان بومی و محلی، کاهش میزان علاقه فردی کاربران به حفظ زبان مادری، کاهش تعداد گویشوران، کاهش اعتبار اجتماعی زبان اقلیت، استفاده از زبان دوم به عنوان زبان آموزشی، دو یا چندزبانگی، غالب بودن زبان گروه اکثریت و زبان ملی بر زبان اقلیت و جهانی شدن، به عنوان عمده ترین علت‌های در خطر انقراض قرار گرفتن زبان کردی در منطقه شناسایی شدند.

مطابق یافته‌های پژوهش، انقراض زبان، نابودی دیگر ویژگی‌های فرهنگی گروه اقلیت هم‌چون سبک زندگی، موسیقی و ویژگی‌های قومی (اخلاق و عادات، عقاید و رسوم، مراسم ازدواج و عزا و...) را به دنبال خواهد داشت؛ چراکه فرهنگ وابسته به زبان است، با زبان شکوفا می‌شود، به حیات خود ادامه می‌دهد و منتقل می‌شود، با انقراض هر زبان، فرهنگ وابسته به آن نیز در معرض نابودی قرار می‌گیرد.

نکته حائز اهمیت در حفظ زبان، آموزش است. آموزش در مدارس آبادی‌های کردنشین خلخال تنها به زبان فارسی انجام می‌شود و زبان فارسی تنها پل ارتباطی میان دانش‌آموزان کردزبان با معلمان اغلب ترک‌زبانان است. تحصیل به زبان مادری با الگوگرفتن از اقلیم کردستان عراق به سبب مطالبات کردها در سرتاسر جهان، به‌ویژه در میان کردهای ایران افزوده شده است. هر چند در حال حاضر، زمینه آموزش و تحصیل به زبان کردی در دانشگاه‌های کردستان ایران برای علاقه‌مندان فراهم شده است، اما آرزوی تحصیل به زبان مادری حدود ۷۰٪ و سن‌وسال نمی‌شناسد و دانش‌آموزان علاقمند نیز تحقق چنین آرزویی را در سر می‌پرورانند. از طرفی، بازنمایی هویت فرهنگی، به‌ویژه زبان، در موسیقی کردی می‌تواند گامی ارزشمند در حفظ زبان کردی در میان اهالی منطقه باشد. فهم آسان ترانه‌ها و نغمه‌ها به زبان مادری و دنشین بودن موسیقی کردی از دلایل عمده گرایش ساکنان به بازنمایی این نوع از هویت قومی‌شان است. بی‌شک، موسیقی کردی منبع معتبری برای بازنمایی و شناخت هویت کردی در منطقه و ابزاری برای حفظ آن خواهد بود. این بازنمایی که نوعی از حس تعلق و تملک نسبت به موسیقی کردی در ساکنان را به همراه دارد، در نهایت، باعث هم‌بستگی بیش‌تر بین کردهای منطقه با

گروه‌های متجانس داخلی و خارجی و مستحکم شدن دیوار فرهنگی مابین آن‌ها با گروه‌های نامتجانس منطقه‌ای خواهد شد. در نهایت، ویژگی‌های فرهنگی (زبان، لباس، صنایع دستی، مراسمات قومی و...)، آثار باستانی و وضعیت آب‌وهوایی و اقلیمی منطقه همگی پتانسیل‌هایی هستند که برای توسعه گردش‌گری منطقه مناسب هستند.

به‌طور کلی، در بررسی عوامل فرهنگی، در مرحله کدگذاری محوری ۵ مقوله عمده به شرح جدول شماره شش احصاء شد.

جدول شماره ۶: مقولات مرتبط با عوامل فرهنگی

مؤلفه	شاخص
	رفتار زبانی
	آموزش
فرهنگی	نبود قرابت فرهنگی
	بازنمایی هویت فرهنگی در موسیقی کردی
	گردشگری

۴- عوامل اقتصادی: «نابرابری اقتصادی» حاصل از تبعیض، یکی از عوامل اصلی تأثیرگذار در شکل‌گیری رفتار فضایی روستاهای کردزبان در رابطه با ناحیه پیرامون است. نابرابری فرصت‌های رشد در منطقه و سهم اقلیت‌های کردزبان در قدرت، منابع اجتماعی، اقتصادی (مخصوصاً در اشتغال و وضعیت فرهنگی)، در مقایسه با آنچه که متعلق به گروه اکثریت است، یک تبعیض آشکار است. از طرفی، به‌نظر می‌رسد عدم توجه کافی به مناطق محروم و قومی در برنامه‌های توسعه کشور، خصوصاً در مناطقی که اقوام به‌صورت جزیره‌ای سکونت دارند، گذشته از جنبه‌های انسانی و اجتماعی، پیامدهای سیاسی نامطلوبی بر جا بگذارد. این وضعیت در مناطق کردنشین کشور و به‌دنبال تأثیرپذیری آن‌ها از رویدادهای آن سوی مرزها در مناطق کردنشین عراق و ترکیه می‌تواند حساسیت بیش‌تری داشته باشد. ناامیدی روانی ناشی از حل نشدن مسئله تحریم نیز مزید بر علت خواهد بود.



در مجموع، عدم انجام سرمایه‌گذاری‌های مناسب (از سوی بخش دولتی و خصوصی)، شکوفا نشدن استعدادهای مردم از حالت بالقوه به بالفعل، افول کشاورزی و دامداری، افزایش نرخ بیکاری، افزایش مشکلات اقتصادی، گسترش تنگناهای معیشتی، فقرافزایی، هرز رفتن امکانات و کاهش انگیزه همکاری برای توسعه، از جمله پیامدهای مهم و مستقیم توسعه نابرابری اقتصادی در منطقه است که خود پیامدهایی هم‌چون افزایش مهاجرت‌های کاری، به‌ویژه مهاجرت نیروهای متخصص و حتی خالی شدن آبادی‌ها از سکنه را به دنبال دارد. این امر از یک طرف، موجب کم‌تر شدن نیروی کار و کاهش سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی و دامداری در آبادی‌ها و از سوی دیگر، رشد مشاغل کاذب و بخش غیررسمی در شهرهای مهاجرپذیر می‌شود. افزون بر آن، تداوم روند توسعه نابرابری اقتصادی در منطقه کردنشین خلخال می‌تواند آن‌ها را در معرض اعتراض قرار دهد که عدم پاسخ‌گویی به مطالبات آن‌ها علاوه بر ایجاد قومیت‌گرایی، زمینه بروز تنش در منطقه را دو چندان خواهد کرد.

به‌طور کلی، در بررسی عوامل اقتصادی، در مرحله کدگذاری محوری ۵ مقوله عمده به شرح جدول شماره هفت احصاء شد.

جدول شماره ۷: مقولات مرتبط با عوامل اقتصادی

مؤلفه	شاخص
اقتصادی	توسعه‌نیافتگی اقتصادی
	نابرابری فرصت‌های رشد
	رقابت منطقه‌ای در کسب امتیازات
	نامیدی روانی ناشی از تحریم
	مهاجرت‌های کاری

۵- عوامل جغرافیایی و زیست‌محیطی: یافته‌های پژوهش نشان دادند که مدیریت ناکارآمد منابع زیست‌محیطی، به‌ویژه منابع آبی، مهم‌ترین دغدغه ساکنان منطقه، یعنی بحران زیست‌محیطی را باعث خواهد شد؛ چرا که با قرارگیری منطقه در «وضعیت قرمز تأمین آب»، ساکنان دچار فقر شدید آبی خواهند شد تا آن جا که «اقتصاد آب» و معیشت وابسته به آب، به‌شدت رو به افول خواهد کرد و شکی نیست که در آینده



نه‌چندان دور، بحران کم‌آبی، منطقه را در معرض ورشکستگی آبی و تنش آبی قرار خواهد داد.

از طرفی، سیاست نادرست در امر بهداشت و سلامت، شرایطی را ایجاد کرده است که منجر به بی‌تفاوتی یا بی‌مسئولیتی مدیران و سهل‌انگاری کارشناسان بهداشتی در نظارت بر بهداشت محیط از یکسو و نارضایتی ساکنان از سوی دیگر شده است. از این‌رو، عدم تعادل در دسترسی به خدمات درمانی، عدم تعبیه محل جمع‌آوری زباله در سطح محلات آبادی و یا کوتاهی در تخلیه آن، عدم مدیریت آب‌های سرریز منازل و یا ناشی از ریزش باران، رها کردن فضولات دامی از سوی برخی دامداران محلی در کنار و گوشه آبادی و بی‌تفاوتی مسئولان مربوطه در ساماندهی به وضعیت بهداشت محیط و آلودگی آب‌های روان منطقه، از مهم‌ترین چالش‌های این حوزه است.

به‌طور کلی می‌توان گفت، بحران زیست‌محیطی شاید به تنهایی عاملی برای بروز تنش در منطقه نباشد، اما این موضوع روی نارضایتی گروه اقلیت و بروز تنش اجتماعی در منطقه بی‌تأثیر نخواهد بود و به‌عنوان عوامل مزمن و پنهان می‌تواند در صورت تحقق دیگر بسترها و زمینه‌های اعتراضات، بر گسترش دامنه تنش‌ها بیفزاید.

در کنار مؤلفه‌های یاد شده بالا، در بررسی عوامل مؤثر بر رفتارهای زیست‌محیطی افراد یا گروه‌ها، نقش مؤلفه‌هایی چون متغیرهای جمعیت‌شناختی (سن، جنس، طبقه اجتماعی، محل سکونت، وضعیت تأهل، تعداد فرزندان و سن فرزندان)، گرایش سیاسی، آگاهی زیست‌محیطی، عقیده دینی، عملکرد زیست‌محیطی و سرمایه فرهنگی فرد یا گروه بی‌تأثیر نخواهد بود.

به‌طور کلی، در بررسی عوامل زیست‌محیطی، در مرحله کدگذاری محوری ۴ مقوله عمده به شرح جدول شماره هشت احصاء شد.



جدول شماره ۸: مقولات مرتبط با عوامل زیست‌محیطی

مؤلفه	شاخص
جغرافیایی و زیست‌محیطی	خشک‌سالی و کمبود آب
	آلودگی‌های زیست‌محیطی
	مدیریت ناکارآمد منابع
	سیاست نادرست بهداشت و سلامت

۶- عوامل تاریخی و روانی: یافته‌های پژوهش نشان دادند که موضوعاتی هم‌چون تقدم و تأخر حضور اقوام در منطقه، برتری‌طلبی قومی از جانب پانترکیسم‌ها، احساس مالک بلامنازع از سوی گروه قومی اکثریت و تحمیلی و در حاشیه پنداشتن گروه اقلیت از سوی گروه اکثریت، موجب ایجاد شکاف بین دو گروه قومی کرد و ترک شده است. از طرفی، پیدایش حس تعلق مکانی در کردها بر حساسیت موضوع افزوده است. این در حالی است که داده‌های تاریخی به‌دست‌آمده در این پژوهش، حکایت از وجود تاریخ مشترک گروه‌های قومی، به‌ویژه کردها و ترک‌ها با یکدیگر دارد که با تلخی‌های بسیاری نیز همراه بوده است. در حال حاضر، این تلخی‌ها به شکل کینه‌های گذشته میان بازماندگان دو گروه قومی، به‌ویژه نخبگان قومی خودنمایی می‌کند و وجود بسترها و زمینه‌های ذهنی و روانی هم‌چون عصبانیت‌ها و خشم‌های بخش‌هایی از جامعه، سرخوردگی‌های اجتماعی، وجود نارضایتی‌ها از مسائل مختلف، عقده‌های ناشی از تضادهای سیاسی، فرهنگی، مذهبی، طبقاتی و... بر گسترش دامنه آن می‌افزاید. در بسترسازی فضای جامعه، عملیات روانی و تبلیغاتی کشورها، سازمان‌ها و جریان‌های معاند، رسانه‌ها و وسایل ارتباط‌جمعی که دارای تضادهای سیاسی، فکری و اعتقادی با سیستم حاکمیتی هستند، از دیگر ابزارهای بسترسازی بروز تنش‌ها در جامعه هستند.

امروزه، با جهانی شدن اطلاعات و چاپ و انتشار منابع جدید تاریخی و آشکار شدن زوایای تاریخ سیاسی منطقه، این شکاف در حال عمیق‌تر شدن است که با فراهم شدن دیگر زمینه‌های لازم، از جمله افزایش نارضایتی

قومی، بروز یک تنش اجتماعی و ایجاد ناامنی در منطقه دور از ذهن نیست. از طرفی، گسترش شبکه‌های مجازی و حضور چشم‌گیر مردم در پلتفرم‌های اجتماعی، آگاهی‌بخشی قابل‌توجهی را از وضعیت گذشته و تاریخ سیاسی منطقه به همراه دارد که این امر در بروز رفتار کنشی میان گروه‌های قومی نامتجانس مزید بر علت خواهد بود.

مجموع این حوادث می‌تواند به‌عنوان عوامل زمینه‌ای و بسترساز در شکل‌گیری رفتار فضایی میان اقوام ساکن در منطقه تأثیرگذار باشد که پیامدهایی هم‌چون بروز درگیری و نزاع قومی و ایجاد فتنه و آشوب در منطقه را به دنبال خواهد داشت.

به‌طور کلی، در بررسی عوامل تاریخی و روانی، در مرحله کدگذاری محوری ۴ مقوله عمده به شرح جدول شماره ۹ احصاء شد.

جدول شماره ۹: مقولات مرتبط با عوامل تاریخی - روانی

مؤلفه	شاخص
تاریخی و روانی	تقدم و تأخر در سکونت
	حس تعلق مکانی
	تاریخ مشترک
	بسترها و زمینه‌های ذهنی و روانی

۷- عوامل فناورانه: یافته‌های پژوهش نشان دادند که در عصر حاضر، رسانه (اعم از سنتی و نوین) نقش مهمی در شکل‌گیری و جهت‌دهی افکار عمومی در سطوح مختلف ملی، منطقه‌ای و جهانی بازی می‌کند. اینترنت و شبکه‌های اجتماعی با جای دادن طیف گسترده‌ای از بازیگران و کنش‌گران سیاسی - اجتماعی در فضای مجازی، از یک‌سو، ابزاری برای تبلیغ و اشاعه نهادهای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی هستند و از سوی دیگر، منبعی مهم در ارائه آگاهی‌های سیاسی - اجتماعی در جهان، عامل ارتباط فعالان سیاسی با مردم و در نهایت، برانگیزاننده مهم رفتارهای اعتراضی و بسیج اعتراض‌ها در جهان به‌شمار می‌روند.



از طرفی، تأثیر رسانه‌های ارتباطی، به‌ویژه شبکه‌های اجتماعی، در اطلاع‌رسانی و گسترش سریع تحولات انقلابی و ایجاد بحران‌ها، موضوعی انکارناپذیر است. رسانه، اینترنت و شبکه‌های اجتماعی، آگاهی را در بین اقشار مختلف جامعه در خصوص یک موضوع خاص بالا برده و توجه آن‌ها را به آن‌چه در اطرافشان می‌گذرد، جلب می‌کند. جهت‌دهی افکار عمومی در شبکه‌های اجتماعی در دو مرحله صورت می‌گیرد: مرحله اول، شبکه‌سازی در فضای مجازی و در مرحله دوم، شبکه‌سازی و مشارکت در فضای واقعی؛ به‌گونه‌ای که نتیجه این مشارکت در فضای واقعی در پاره‌ای از موارد، می‌تواند منجر به ایجاد تنش و واگرایی‌های قومی شود. به‌طور کلی، این رسانه‌ها از طریق مطرح کردن مطالبات قومی، ترویج اختلافات قومی، انتشار مطالب توهین‌آمیز قومیتی، نفوذ جریان‌های بیگانه و طرح هویت‌خواهی، در واگرایی‌های قومی تأثیرگذار هستند.

هم‌زمان با گسترش رسانه‌های نوین در جهان، در ایران نیز این رسانه‌ها در بین کاربران، به‌ویژه اقوام، نفوذ قابل‌توجهی یافته است که به انحاء مختلف سعی دارند هویت قومی خود را به تصویر بکشند. از این منظر، رسانه‌های نوین ارتباطی در سطوح مختلف موجب رشد آگاهی‌های فرهنگی خرده‌گروه‌ها می‌شوند و آن‌ها را به جوامع مجازی در دل کشور تبدیل می‌کنند و همین مسئله موجب فشار بر حاکمیت دولت می‌شود. در این میان، رسانه‌های داخلی با بازنمایی مناسب هویت فرهنگی اقوام می‌تواند نقش مهمی در خنثی‌سازی اقدامات واگرایانه رسانه‌های ارتباطی خارج از کشور در میان گروه‌های قومی کشور باشد؛ در غیر این‌صورت، رسانه‌های خارجی تبدیل به منابعی مهم در خلق آگاهی قومی و سازماندهی و بسیج کنش‌های جمعی در کشور خواهند شد.

بر اساس یافته‌های پژوهش، در حال حاضر، دسترسی به این رسانه‌ها در صدر نیازهای ارتباطی مردم، به‌ویژه قشر جوان قرار دارد؛ اما بسیاری از آبادی‌ها و نقاط کردنشین خلخال عملاً از زیرساخت‌های مناسب فناورانه داخلی هم‌چون شبکه رسانه‌های ملی و شبکه تلفن همراه محروم هستند. اغلب آبادی‌ها و نقاط (به استثنای مرکز دهستان) به اینترنت دسترسی ندارند یا پوشش‌دهی اینترنت

در آنجا بسیار ضعیف است. در مقابل، شرایط برای دسترسی عموم مردم به برنامه‌های ماهواره‌ای آسان‌تر است. از طرفی، آن دسته از کردها که اغلب، نخبگان را در دل خود جای دارند و در نقاطی خارج از موطن اصلی‌شان زندگی می‌کنند، اما ارتباط با زادگاهشان را قطع نکرده‌اند، در دسترسی به اینترنت و شبکه‌های اجتماعی مشکلی ندارند. آگاهی‌های سیاسی و فرهنگی و هویت‌خواهی این گروه از کردها در آگاهی‌های گروه باقی‌مانده کردها در منطقه تأثیر مستقیم دارد. به‌طور کلی، موضوع ضعف رسانه‌های داخلی و قدرت رسانه‌های قومی خارجی در هویت‌یابی فرهنگی و سیاسی کردها مؤثر بوده و به‌عنوان عامل مداخله‌گر و تسهیل‌کننده در بروز رفتار گروه‌های اقلیت می‌تواند تأثیرگذار باشد.

به‌طور کلی، در بررسی عوامل فناورانه، در مرحله کدگذاری محوری ۳ مقوله عمده به شرح جدول شماره ده احصاء شد.

جدول شماره ۱۰: مقولات مرتبط با عوامل فناورانه

مؤلفه	شاخص
	ضعف در زیرساخت‌ها
فناورانه	بازنمایی نامناسب فرهنگ اقوام در رسانه داخلی
	رسانه ارتباطی قومی قوی

۸- عوامل بیرونی: طبق یافته‌های پژوهش، یکی از تأثیرگذارترین بستر و زمینه در بروز رفتار گروه‌های قومی داخلی، کانون‌های خارجی است. این کانون‌ها به‌عنوان عامل مداخله‌گر و تحریک‌کننده بسیار قوی در بروز این رفتار، در سه مقیاس «کشورهای همسایه»، «کشورهای غربی» و «جامعه جهانی» قابل بررسی است.

در مقیاس اول، سیاست متفاوت دولت‌های منطقه نسبت به هویت اقلیت کردها مورد توجه است؛ چرا که ایران هویت و موجودیت کردها را به رسمیت شناخته، ولی آن‌ها را از منظر قومی و نژادی، شاخه‌ای از ایرانیان می‌داند که بخشی از ایران را شامل می‌شود. عراق گفته است که ما عرب هستیم و شما کرد و گاهی هر دو عراقی هستیم و ما به‌عنوان بخشی از دنیای عرب



خودمختاری شما را در کل تضمین می‌کنیم. ترکیه از زمان آتاتورک، هویت کردها را نفی کرده، از اساس، آن را ترک، آن هم «ترک کوهستان» شناخته است. سوریه نیز هویت کردها را به‌طور کلی نفی کرده و سیاست «عریزه‌کردن» سرزمین آن‌ها را اجرا کرده است (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵، ص ۱۵).

در قرن حاضر، سیاست متفاوت دولت‌ها در قبال قومیت کرد منجر به بروز واکنش‌های متفاوتی از سوی کردها در درخواست مطالباتشان از دولت شد. این درخواست در کردستان ایران به شیوه «مقاومت اجتماعی»، در کردستان ترکیه و سوریه به شیوه «خشونت‌آمیز» و در کردستان عراق به شیوه «مسالمت‌آمیز» بود که در ایران به «هماندسازی»، در ترکیه و سوریه به «سرکوبی» و در عراق به «خودگردانی» کردها انجامید.

بررسی تحولات سیاسی در منطقه و درون کشور عراق و ترکیه و سوابق این دگرگونی‌ها نشان داده است که به سبب پیوندها و وابستگی‌های قومی، زبانی، فرهنگی و پیشینه تاریخی مشترک اقوام کرد و کل ملت‌های این منطقه، مسائل و چالش‌های سیاسی درونی و منطقه‌ای به سرعت و سهولت از مرزهای جغرافیائی گذر می‌کند و بر زندگی اجتماعی و فعالیت و گرایش‌های سیاسی سایه می‌افکند. بر این اساس، می‌توان منشأ برون‌مرزی توسعه‌گرایش‌ها و چالش‌ها و شکل‌گیری رفتار فضایی اقلیت قومی کردزبان در منطقه خلخال را منبث از عوامل و بسترهای زیر دانست:

- پیشینه سیاسی مراودات برون‌مرزی و تأثیر آراء و مطالبات سیاسی جامعه کرد خارج از کشور و کشورهای هم‌جوار مانند عراق و ترکیه بر کردهای ایران؛
- تأثیر مسائل و تحولات مناطق کردنشین عراق و ترکیه بر کردهای ایران؛
- ارتباطات و پیوندهای قومی با کشورهای هم‌جوار و جامعه جهانی کرد؛
- تأثیر رسانه‌های قومی در آگاه‌سازی و هویت‌خواهی کردهای ایران؛
- نقش‌آفرینی کردهای خارج از کشور در پیگیری اهداف عمومی.



در مقیاس دوم، کشورهای غربی با دادن شعار و وعده‌هایی هم‌چون حمایت سیاسی و اقتصادی به قومیت‌ها، حمایت‌های نظامی و تسلیحاتی از احزاب و جریان‌های سیاسی مخالف نظام و تجهیز آن‌ها به آخرین امکانات و فناوری‌های نوین، به‌منظور انجام فعالیت‌های تروریستی و فیزیکی، سعی در ایجاد اختلاف بین گروه‌های قومی کشور با دولت مرکزی و در کل، براندازی نظام دارند. در این میان، گروه معاند پژاک با بهره‌گیری از خاک عراق و دریافت پشتیبانی از قدرت‌های رقیب بر افزایش نافرمانی مدنی، اقدامات گریز از مرکز و افزایش آگاهی‌های قومی کردهای ایران و هم‌چنین شکل‌گیری سازمان‌های قومی و سیاسی جدید و ایجاد ناامنی در مناطق غرب و شمال غرب کشور تأثیرگذار است.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که هرگونه رخداد و جریان سیاسی، فرهنگی، قومی، اقتصادی و امثالهم، در بیرون از مرزهای کشور تأثیر مستقیم بر اقلیت کردزبان خلخال نیز داشته، به‌طوری‌که استفاده از نمادهای سمبلیک مانند استفاده از پرچم کردستان بزرگ در برخی از مراسم و آیین‌های دسته‌جمعی کردی، بازبایی و رشد حس کوردایتی (کوردایه‌تی)، خودآگاهی قومی، ایدئولوژی‌سازی، افزایش توقعات و مطالبات سیاسی و فرهنگی کردها و تقویت و تشدید گرایش جوانان به حزب پژاک از این دسته می‌باشند.

در مقیاس سوم، فرایند جهانی شدن با ایجاد فرصت مناسب برای ورود اقوام به عرصه اقتصادی، فرهنگی و سیاسی، آنان را به‌منظور شناساندن هویت خود و دسترسی به منابع اقتصادی برانگیخته است. جهانی شدن در ابعاد فرهنگی تا حدودی سبب توسعه شاخص‌های فرهنگی نظیر افزایش پوشش لباس محلی، افزایش تکلم به زبان محلی، افزایش علایق به فرهنگ و رسوم محلی، دسترسی به انواع رسانه‌های محلی، ملی و جهانی، کاهش شکاف مرکز-پیرامون (فرهنگی) در میان اقوام شده است. از جهت سیاسی، منجر به افزایش آگاهی‌های سیاسی و حساسیت نسبت به شکاف مرکز-پیرامون (سیاسی)، افزایش توقع از مسئولین، افزایش مطالبات مختلف اقوام از دولت مرکزی، گسترش تبلیغات فرامرزی نسبت به امور داخلی کشورها و فراگیری و



نهادینه شدن حقوق شهروندی شده است. از نظر اقتصادی، باعث ماجراجویی شغلی و کسب درآمد صرف نظر از مکان شده است. از نظر جغرافیایی نیز باعث فشردگی زمان و مکان و حذف فاصله‌ها شده است.

در مجموع، نتایج این پژوهش نشان می‌دهند که متأثر از واکنش کردها در کشورهای همسایه عراق و ترکیه و اقدامات تجزیه طلبانه قدرت‌های بیگانه و همچنین پدیده جهانی شدن، کردهای کشور مستعد بروز تحرکات چشم‌گیری هستند که بسته به سیاست نظام در نحوه مدیریت قومیت‌ها، رفتار کردها می‌تواند متفاوت باشد (مرکزگرا یا مرکزگریز).

به‌طور کلی، در بررسی عوامل بیرونی، در مرحله کدگذاری محوری ۴ مقوله عمده به شرح جدول شماره یازده احصاء شد.

جدول شماره ۱۱: مقولات مرتبط با عوامل بیرونی

مؤلفه	شاخص
کانون‌های خارجی	جهانی شدن
	قوانین بین‌المللی و منطقه‌ای
	احزاب و جریان‌های سیاسی مخالف
	تحولات کردستان ترکیه و عراق
	مداخله بیگانگان
	نقش‌آفرینی کردهای خارج از کشور

پرسش دوم: پیامدهای منتج از عوامل مؤثر در رفتار فضایی جزایر زبانی در رابطه با ناحیه پیرامونی چیست؟

در بررسی عوامل مؤثر در رفتار فضایی اقلیت زبانی در ارتباط با گروه اکثریت، پیامدهایی به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم قابل حصول است. مجموع این پیامدها متناسب با ابعاد و مفاهیم استخراج‌شده، به اختصار در جدول شماره دوازده قابل دسته‌بندی است.

جدول شماره ۱۲: پیامدهای ناشی از زمینه‌ها و بسترهای مؤثر در رفتار فضایی

بُعد	مفاهیم	پیامد
اجتماعی	هم‌زادپنداری قومی	هم‌بستگی قومی و بروز چالش
	ارتباطات اجتماعی	سیر نزولی تعاملات بین گروهی
	محرومیت نسبی	اعتراض همراه با خشونت



بُعد	مفاهیم	پیامد
سیاسی	دگرگونی نسلی	ایجاد شکاف هویتی در جامعه
	عدم اقتناع‌سازی	منشأ بروز تنش و آشوب
	تضادهای اجتماعی	عدم سرمایه‌گذاری و رکود در انجام فعالیت‌های عمرانی
	برچسب‌زنی اجتماعی	تحریک نارضایتی‌های نهفته و بغض‌های مزمن شده
	اقلیت‌پنداری	ایجاد تنش میان اقوام، تهدید امنیت اجتماعی و دور کردن توجه از موازین بین‌المللی مربوط به حقوق اقلیت‌ها
	احساس طرد اجتماعی	تهدید امنیت اجتماعی جامعه
	تقابل با شایسته‌سالاری	عدم شکل‌گیری رقابت و ائتلاف سیاسی و اجتماعی
	حاشیه‌نشینی	افزایش نرخ بیکاری، شکل‌گیری مشاغل کاذب و گسترش اعتیاد و جرم و...
	نبود ساختار در دولت	احساس تحقیرشدگی و نادیده گرفته شدن اقلیت‌ها
	قوانین داخلی	گسترده شدن دامنه مطالبات اقلیت‌ها با آگاهی از حقوق قانونی
فرهنگی	حقوق شهروندی	مرکز‌گریزی گروه اقلیت و روی آوردن به کمک‌های خارجی
	دیدگاه و اراده محلی	مهاجرت نخبگان از زادگاه
	سیاسی شدن قومیت	افزایش نارضایتی‌ها و سیاسی شدن آن
	احساس تبعیض	ایجاد شکاف بین هویت قومی و ملی و بهره‌برداری گروهک‌های معاند
	تحریکات اجتماعی	تشدید توسعه‌نیافتگی اقتصادی، خودبتریبینی قومی، افزایش تعصب قومی و افزایش پذیرش اجتماعی گروه‌های مرجع منفی، شکاف فرهنگی، افزایش نگاه امنیتی به گروه‌های قومی، افزایش درگیری بین اقوام، بدبینی به حکومت مرکزی، واگرایی قومی، تحریک گروه‌های تروریستی، زندان‌زایی به جای زندان‌زدایی
	تضادهای سیاسی	تحریک و فعال شدن بسیاری از علل و عوامل بروز چالش‌ها
	رفتار زبانی	نفوذ زبان ترکی در میان اقلیت، دو یا چندزبانگی اقلیت، ضعیف شدن زبان اقلیت، استحاله و تغییر زبان اقلیت
	نداشتن قرابت فرهنگی	به‌عنوان عوامل زمینه‌ای و پنهان می‌تواند در بروز تنش میان دو گروه قومی مؤثر باشد.
	بازنمایی هویت فرهنگی در موسیقی	ایجاد حس تعلق و تملک به موسیقی، ایجاد هم‌بستگی با گروه‌های متجانس داخلی و خارجی، مستحکم شدن دیوار فرهنگی مابین اقلیت با گروه‌های نامتجانس منطقه‌ای
	گردش‌گری	ایجاد زیرساخت‌های لازم، می‌تواند در رفع محرومیت نسبی منطقه و ایجاد هم‌گرایی قومی مؤثر باشد.
اقتصادی	توسعه‌نیافتگی اقتصادی	توسعه نامتوازن منطقه و حاشیه‌ای شدن منطقه در فرایند توسعه
	نابرابری فرصت رشد	توسعه شدید اختلافات در زمینه‌های اقتصادی و اجتماعی میان گروه‌های قومی اقلیت و اکثریت
	نامیدی ناشی از تحریم	تشدید نارضایتی‌های گسترده و انباشت‌شده در جامعه
		افزایش مهاجرت کاری حاشیه‌نشینی و در نهایت، بروز تنش‌های اجتماعی هم‌چون افزایش جرم



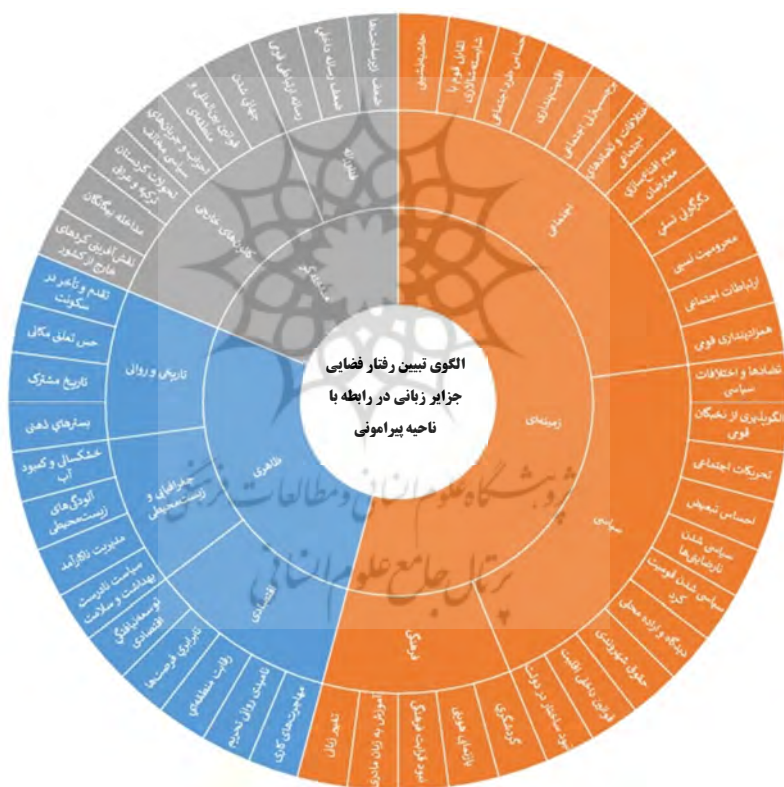
بُعد	مفاهیم	پیامد
زیست‌محیطی	خشک‌سالی و کمبود آب	در صورت تحقق دیگر عوامل اعتراض، به عنوان عوامل مزمن و پنهان بر گسترش دامنه تنش‌ها می‌افزاید.
تاریخی و روانی	تقدم و تأخر در سکونت	برتربینی قومی و ایجاد شکاف بین گروه‌های قومی
	حس تعلق مکانی	دفاع از قلمرو خود و تلاش جهت رشد و شکوفایی آن، دست‌یابی به وحدت قومی
فناورانه	تاریخ مشترک	عمیق‌تر شدن شکاف بین قومی در نتیجه آشکار شدن زوایای تاریک تاریخ سیاسی منطقه
	عوامل ذهنی و روانی	تقویت اراده در معترضین و ذی‌نفعان برای واکنش به شرایط حادث‌شده
جهانی شدن	مؤلفه‌های فناورانه	استقبال از رسانه‌های فراملی و خارجی، بازنمایی هویت فرهنگی قومی، تهاجم فرهنگی، ایجاد هم‌بستگی فرهنگی بین کردها، خودآگاهی قومی، تفرقه‌افکنی در بین قومیت‌ها، گرایش جوانان به پژاک
	جهانی شدن	تقویت هویت و هم‌بستگی قومی، توسعه شاخص‌های فرهنگی، افزایش آگاهی‌های سیاسی و قومی
بیرونی	قوانین بین‌المللی	گسترده شدن دامنه مطالبات اقلیت‌ها با آگاهی از حقوق و قوانین بین‌المللی مربوط به خود
	احزاب مخالف	خودآگاهی قومی، افزایش مطالبات سیاسی و فرهنگی، تشدید گرایش جوانان به گروه‌های معاند
مداخله بیگانگان	تحولات کردستان عراق	تهدید نرم علیه امنیت ملی در نتیجه تقویت احساس‌های قوم‌گرایانه و پیوند با کردهای برون مرزی
	نقش‌آفرینی کردهای خارج از کشور	بی‌اعتمادی اقلیت نسبت به دولت، تلاش برای جذب نیرو به گروه‌های معاند به‌منظور انجام فعالیت‌های تروریستی، حمایت‌های نظامی و تسلیحاتی از گروه‌های مخالف نظام، براندازی نظام
پرسش سوم: الگوی مطلوب مدیریت رفتار فضایی جزایر زبانی در رابطه با ناحیه پیرامونی دارای چه ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌هایی است؟	نقش‌آفرینی کردهای خارج از کشور	تشویق جوانان برای رفتن به اقلیم کردستان - افزایش آگاهی‌های سیاسی - جذب جوانان به گروه‌های معاند

پرسش سوم: الگوی مطلوب مدیریت رفتار فضایی جزایر زبانی در رابطه با ناحیه پیرامونی دارای چه ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌هایی است؟

با توجه به مفاهیم به‌دست آمده، الگوی نهایی پژوهش به‌صورت نمودار شماره یک قابل ترسیم است. مفاهیم این الگو از تجمیع ۷۶۴ عبارت، ۱۷۹ سنجه یا گزاره، ۴۸ شاخص و ۸ مؤلفه حاصل شد که در نهایت، در سه بُعد «ظاهری»، «زمینه‌ای» و «مداخله‌گر» دسته‌بندی شدند (جدول شماره سیزده).

جدول شماره ۱۳: مجموع مفاهیم (ابعاد، مؤلفه‌ها، شاخص‌ها و...) الگوی نهایی پژوهش

ابعاد	مؤلفه	تعداد شاخص	تعداد سنجه یا گزاره	تعداد عبارات
ظاهری	اقتصادی	۵	۲۰	۸۶
	تاریخی و روانی	۴	۲۰	۸۴
	زیست‌محیطی	۴	۱۵	۶۴
زمینه‌ای	اجتماعی	۱۱	۲۹	۱۳۶
	سیاسی	۱۰	۲۸	۱۲۰
	فرهنگی	۵	۱۸	۷۷
مداخله‌گر	فناورانه	۳	۱۷	۷۳
	کانون‌های خارجی	۶	۳۲	۱۲۴
	جمع کل	۴۸	۱۷۹	۷۶۴



شکل شماره ۲: الگوی نهایی پژوهش

طراحی الگوی مطلوب مدیریت رفتار فضایی جزایر زبانی در رابطه با نواحی پیرامونی (مورد مطالعه: کردهای خلخال)
حسن صمدزاده، عطاءاله عبدی، محمدنبی کریمی



بحث و نتیجه‌گیری

مبتنی بر یافته‌های پژوهش، در شکل‌گیری رفتار فضایی روستاهای کردزبان خلخال در رابطه با ناحیه پیرامونی تعداد هشت بستر و زمینه مهم و مؤثر شناسایی و در سه دسته عوامل «ظاهری»، «زمینه‌ای» و «مداخله‌گر» تقسیم شدند. هر یک از این عوامل متأثر از دیگر شرایط، می‌توانند منجر به بروز رفتار متفاوتی از سوی کردها در ارتباط با گروه اکثریت یا دیگر گروه‌های قومی منطقه شوند و یا در تسهیل آن کمک کنند که در هر دو صورت، می‌تواند پیامدهای متعددی نیز داشته باشند.

به‌طور کلی، از مجموع یافته‌های به‌دست‌آمده، سه نتیجه نهایی به شرح زیر قابل احصاء است:

۱- از مجموع شاخص‌های (۴۸ گانه) احصاء‌شده، سه عامل احساس وجود «فقر و محرومیت»، «تبعیض» و «تحقیر و طرد اجتماعی» سازمان‌یافته، اصلی‌ترین علل و عوامل بروز رفتار قومی هستند. در نتیجه این سه عامل، کردهای خلخال الگوی رفتاری متفاوتی را با گروه اکثریت پیرامونی در پیش گرفته و در صورت عدم مدیریت صحیح، می‌تواند چالش‌های جدی انتظامی، اجتماعی و به‌تبع آن، امنیتی برای منطقه و حتی کشور به‌دنبال داشته باشد.

این بدین معنا است که نابرابری در حوزه‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی، احساس تحقیر و طردشدگی اجتماعی در گروه اقلیت را نهادینه کرده است. هر چند دولت مرکزی (به ظاهر) تلاش می‌کند به حقوق اقلیت‌ها در کشور احترام بگذارد، اما قدرت‌های محلی یا ناسیونالیسم‌های گروه اکثریت قومی سعی در نادیده‌گرفتن حقوق دیگر اقلیت‌ها و تحقیر آن‌ها دارند. در شهرستان خلخال این وضعیت به‌شدت از سوی پانترکیسم‌ها در حق دیگر اقلیت‌های منطقه، به‌ویژه کردها مشهود است و اغلب، آن‌ها را «شهروندان درجه دوم» می‌خوانند. موضوع پیدایش احساس تحقیرشدگی گروه اقلیت



کردزبان از سوی گروه اکثریت و طردشدگی اجتماعی در آنان را می‌توان مبتنی بر نظریه «تعصب، ناکامی - ستیزه‌جویی دولارد» هم‌سو برشمرد.

از طرفی، نهادینه شدن احساس تحقیر و طرد اجتماعی، در پیدایش احساس «محرومیت نسبی» و اعتراض و همراه شدن آن با خشونت نیز نقشی غیرقابل انکار دارد. موضوع پیدایش احساس محرومیت نسبی در گروه اقلیت را که به اعتراض و خشونت می‌انجامد، می‌توان با نظریه «محرومیت نسبی تد رابرت گر» هم‌سو دانست؛ چرا که بر اساس این نظریه، منشأ تضاد قومی ناشی از «مقایسه وضعیت قوم خود با دیگران» است.

هم‌چنین، یکی از علل نارضایتی کردهای خلخال، احساسی است که آنان نسبت به وضعیت خود در خصوص تبعیض و رعایت نشدن حقوق شهروندی دارند. باور عمومی مردم کرد و نخبگان قومی این است که مورد احترام دولت و به‌ویژه گروه اکثریت در منطقه نبوده و همواره نسبت به آن‌ها خصومت وجود دارد. برای آن‌ها همواره این احساس وجود دارد که آن‌ها را جزیی از جمعیت و مردم این منطقه و شریک حاکمیت محلی نمی‌دانند و آن‌ها در چرخه‌ای از تبعیض و محرومیت گرفتار شده‌اند. این موضوع را می‌توان مبتنی با نظریه «تبعیضات قومی گوبوگلو» هم‌سو دانست.

۲- بر اساس یافته‌های پژوهش، «زبان» مهم‌ترین مقوله در حوزه فرهنگی این پژوهش است. آشنایی کردها حداقل به چهار زبان (فارسی، ترکی، تالشی، گیلکی و حتی مازندرانی) و توانمندی آن‌ها در «رمزگردانی زبانی» و برقراری تعامل با دیگر گروه‌های قومی، در نهایت، می‌تواند به تغییر یا انقراض زبان کردی در منطقه منجر شود. این موضوع با نظریه «تطابق گفتاری گایلز» هم‌سو است.

۳- بر مبنای داده‌های به‌دست‌آمده از گروه‌های خبرگان و متأسسی از نظریات مرجع این پژوهش، در پاسخ به پرسش اصلی پژوهش مبنی بر «تبیین رفتار فضایی جزایر زبانی در رابطه با ناحیه پیرامونی»، بروز سه نوع رفتار از کردهای خلخال قابل پیش‌بینی است:



رفتار اول: رفتار فرهنگی (رفتار زبانی)

به نظر می‌رسد که یکی از جدی‌ترین و مهم‌ترین مسائل فردای قابل پیش‌بینی کردهای خلخال، موضوع رفتار زبانی خواهد بود. البته، پیش‌بینی این‌که آینده زبان کردی در منطقه خلخال چگونه خواهد بود، کار آسانی نیست؛ همان‌طور که در دو قرن گذشته نمی‌توانستیم حدس بزنیم که شرایط امروزی کشور و شهرستان خلخال از نگاه زبان، تحصیل و تدریس، رسانه‌ها و امکانات اینترنتی چنین خواهد بود که امروزه شاهدش هستیم؛ اما با این‌همه ناروشنی، شاید بتوان بر پایه یک‌رشته داده‌های موجود و به شرط ثابت ماندن شرایط کلان انسانی و سیاسی (وجود داشتن نوع بشر در آینده، نظام سیاسی کشور و سیاست فعلی دولت مرکزی در قبال زبان‌های محلی، رخ ندادن اتفاق بنیادین در حوزه سیاست و مرزهای کشور، تداوم ارتباط بین تحولات اجتماعی و زبانی) و تغییر نکردن روندهای کلی زبانی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی در کشور، منطقه و جهان، گمانه‌زنی‌های معین و محتاطانه‌ای کرد.

به‌طور کلی، اگر در روند کنونی، تغییرات کلان سیاسی بوجود نیاید، شاهد سرعت بیش‌تری در تغییرات زبان کردی در خلخال و حتی دیگر زبان‌ها و لهجه‌های کوچک ایران خواهیم شد. به‌عبارت دیگر، شاهد نفوذ بیش‌تر واژگان، دستور زبان و حتی تلفظ زبان فارسی و ترکی در زبان کردی و احتمالاً از بین رفتن لهجه و گونه محلی زبان کردی در منطقه خواهیم شد. علت مهم آن هم، تعداد کم متکلمین این زبان در منطقه و نبود گروه‌های قدرتمند کردزبان در همسایگی آن‌هاست؛ بنابراین در صورت ادامه روند کنونی، سرعت فارسی‌تر شدن زبان کردی در منطقه به مراتب بیش‌تر از روند ترکی شدن آن در سده‌های دوران قاجار و پهلوی خواهد بود.

رفتار دوم: رفتار اجتماعی (مهاجرت، حاشیه‌نشینی و ادغام در گروه‌های اکثریت در مقصد)

با عنایت به قرائن و شواهد به‌دست‌آمده از یافته‌های پژوهش، چنین به‌نظر می‌رسد که اگر روند کنونی مهاجرت دائمی کردهای خلخال از زادگاهشان - که



در گروه‌های خانوادگی و با سرعت نسبتاً آرام انجام می‌پذیرد- تداوم یابد، احتمال این‌که گروه باقیمانده کردها در خلخال به علت قرارگیری در تنگنای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، به مرور از منطقه خارج شده و مهاجرت کنند، زیاد است. این گروه از مهاجران در تداوم گروه‌های پیشین خودشان، حاشیه‌نشینی در شهرهای بزرگ را اتخاذ خواهند کرد که در نهایت، به ادغام آن‌ها در میان گروه اکثریت شهرهای مقصد منتهی خواهد شد؛ همانند آنچه که در دو سده گذشته اتفاق افتاد و بسیاری از گروه‌های کردزبان خلخال از موطن اصلی خود خارج و در میان گروه اکثریت در مقصد ادغام شدند؛ با این تفاوت که در این حالت از رفتار، ارتباط مهاجران با زادگاهشان به‌طور کامل قطع نخواهد شد و موطن اصلی تنها به‌عنوان محلی برای برگزاری دسته‌جمعی مراسمات قومی، گذران اوقات فراغت، به‌ویژه در فصول گرم سال، خواهد بود که علت اصلی این امر نیز داشتن احساس تعلق مکانی در کردها نسبت به زادگاه پدری‌شان خواهد بود.

رفتار سوم: رفتار سیاسی (هویت‌یابی قومی و قوم‌گرایی سیاسی)

همان‌طور که گفته شده، در قرن حاضر، در ایران سیاست متفاوت دولت‌ها در قبال قومیت کرد (به رسمیت شناختن هویت و موجودیت کردها) منجر به بروز واکنش متفاوتی از سوی کردها در درخواست مطالباتشان از دولت (به شیوه مقاومت اجتماعی) شد که در نهایت، به سیاست «هماندسازی» انجامید. در سیاست هماندسازی، دولت‌ها و گروه‌های اکثریت در تلاش هستند تا ارزش‌ها و ممیزه‌های هویتی گروه‌های مختلف قومی را به روش‌های «منعطف» (تشویق، کاهش اختلافات، برخورداری از حقوق مساوی شهروندان و...) یا «غیرمنعطف» (اجبار، زور، خشونت، تحقیر، توهین، پاک‌سازی، اخراج، نسل‌کشی و...) در ارزش‌های کلان ملی یا گروه اکثریت ادغام کنند. بدیهی است که هماندسازی مانع عمده‌ای برای رشد و تکامل فرهنگ گروه‌های قومی یا اقلیت بوده و حقوق اقلیت و قومیت‌ها را نادیده می‌گیرد. نادیده انگاشتن حقوق اقلیت‌ها نیز رابطه مستقیم با طرز تفکر «برتری قومی» دارد؛ بنابراین تداوم این روند می‌تواند بزرگ‌ترین تهدید برای بازماندگان این گروه قومی



کردها) در منطقه باشد. از طرفی، یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که بسته به شرایطی هم‌چون بیداری و رشد خودآگاهی سیاسی، هویت‌خواهی و هویت‌طلبی قومی و نیز گسترش ارتباطات و تمایلات برون‌مرزی، کردهای خلخال متأثر از دیگر گروه‌های متجانس کرد در ایران، مستعد بروز هر نوع رفتار جدید و چالش جدی در ارتباط با گروه‌های قومی پیرامون هستند. با این توصیف، چنین به نظر می‌رسد که شکل‌گیری یکی از دو نوع گروه اقلیت در منطقه، یکی از بارزترین مظاهر دینامیسم سیاسی و اجتماعی کردهای خلخال در آینده خواهد بود.

نخست، اقلیت استحاله‌شده

در این حالت، و به شرط تداوم سیاست همانندسازی دولت در منطقه، این روند می‌تواند منجر به استحاله شدن گروه اقلیت کردزبان در میان گروه ملی و یا گروه اکثریت منطقه شود. در این حالت، گروه اقلیت به مرور زمان، فرهنگ سیاسی و حقوقی گروه ملی و یا گروه اکثریت را پذیرا خواهد شد.

دوم، اقلیت تساوی‌خواه

در این حالت، گروه اقلیت کردزبان به دلایل گوناگونی هم‌چون شمار اندک نسبت به جمعیت کل شهروندان، پراکندگی جغرافیایی و ضعف هم‌بستگی و سازمان‌دهی، تنها خواستار حقوق متعارف و برابر شهروندی، اجتماعی و سیاسی با گروه اکثریت خواهد بود.

به‌طور کلی، با عنایت به حضور ابرساختار پیونددهنده جامعه ایرانی مانند «داشتن روحیه ایرانی بودن» و «دین اسلام و تشیع»، و بسته به شرایطی هم‌چون بیداری و رشد خودآگاهی سیاسی، هویت‌خواهی و هویت‌طلبی قومی و نیز گسترش ارتباطات و تمایلات برون‌مرزی، از بین رفتارهای محتمل:

- ۱- استحاله زبان کردی در بین زبان ملی و یا زبان گروه اکثریت؛
- ۲- مهاجرت، حاشیه‌نشینی و ادغام در گروه‌های اکثریت در مقصد؛
- ۳- هویت‌یابی قومی و قوم‌گرایی سیاسی؛



۴- اقلیت استحاله‌شده (قبول فرهنگ سیاسی و حقوقی گروه ملی و یا گروه اکثریت)؛

۵- اقلیت تساوی‌خواه (خواستار حقوق متعارف و برابر مدنی، اجتماعی و سیاسی با گروه اکثریت).

رفتار پنجم، از احتمال وقوع بیش‌تری برخوردار خواهد بود.

بنابراین، نوآوری عمده این پژوهش در زمینه «مسئله‌یابی» است که برخلاف تمام کارهای انجام‌شده، مسئله قومیت را از دیدگاه توسعه‌ای با رویکرد همه‌جانبه (سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، تاریخی و روانی، فناورانه و بیرونی) می‌بیند. نتایج این پژوهش علاوه‌بر توسعه ادبیات نظری درباره موضوع پژوهش، اطلاعات مفید و ارزشمندی را برای ارگان‌های سیاست‌گذار، تصمیم‌ساز و اجراکننده فراهم می‌کند و می‌تواند باعث ارتقاء و بهبود خط‌مشی‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های مربوط به قومیت و در نهایت، هم‌گرایی بیش‌تر اقوام در کشور شود.

فقدان پژوهش مرتبط با موضوع، کمبود پژوهش‌گر یا متخصص در موضوع تحقیق، طفره رفتن برخی از مصاحبه‌شدگان از پاسخ‌گویی به بعضی از پرسش‌ها به‌علت حساسیت موضوع، پراکندگی جغرافیایی نمونه‌های انتخابی و فاصله نسبتاً دور آن‌ها از مرکز، کمبود منابع اطلاعاتی، نبود ابزار سنجش استاندارد، برخورد امنیتی با موضوع از سوی برخی از مسئولان و کارشناسان شورای تأمین شهرستان و عدم تعمیم‌پذیری نتایج به جامعه بزرگ‌تر، از مهم‌ترین محدودیت‌های این پژوهش بود.

پیشنهادها

هر چند بنابه نظر خبرگان پژوهش «به رسمیت شناختن اقلیت‌های قومی و زبانی از سوی گروه اکثریت»، «منع تفریح و برتری‌طلبی قومی و زبانی»، «برابری قومی و عدم تبعیض بین اقلیت و اکثریت»، «منع تحقیر و توهین به اقلیت‌های قومی و زبانی» و «اهمیت و ارزش‌گذاری به حب وطن اقلیت‌ها از



سوی گروه اکثریت» از مهم‌ترین راه‌کار این پژوهش است، اما متناسب با حوزه‌های مختلف پژوهش، اعم از اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و... راه‌کارهای زیر پیشنهاد می‌شود:

- درک صحیح از مفهوم «اقلیت»، حذف دسته‌بندی‌های اکثریت و اقلیت و توجه به استانداردهای بین‌المللی در زمینه حقوق اقلیت‌ها؛
- ایجاد ساختار و تشکیلات سازمانی و اداری حداقلی در دولت، در حوزه اقلیت‌ها؛
- تصویب و اجرای منشور حقوق شهروندی و اجرایی کردن اصول معطل‌مانده قانون اساسی؛
- از بین بردن ذهنیت ناصحیح (تفاوت دانستن بین یک ایرانی با ایرانی) در مورد اقوام و اقلیت‌ها و جایگزینی ذهنیت قانونی و ملی به‌جای ذهنیت خرده‌فرهنگ‌ها؛
- تحقق شعار «ایران برای همه ایرانیان» از مسیر تقویت احساس اعتماد در اقوام و اقلیت‌ها؛
- رفع احساس تبعیض از اقوام از طریق مصالحه (دادن امتیاز) با اقلیت‌های قومی و اصلاح فرایندها؛
- اصلاح، بهینه‌سازی و شایسته‌سالاری در ساختار دولتی شهرستان بدون ملاحظات قومی (توزیع عادلانه مشاغل دولتی)؛
- تلاش در راستای کاهش یا حذف فعالیت گروه‌های مرجع منفی و دیگر تحریکات اجتماعی؛
- تغییر سیاست‌های طرح جامع تقسیمات کشوری در منطقه (ارتقاء و تبدیل دهستان کردنشین سنجد شرقی به بخش، الحاق دهستان کردنشین به شهرستان کوثر یا شهرستان تالش)؛



- تشویق به تشکیل ائتلاف ترک- کرد با معرفی نامزدهای مشترک در
مبارزات انتخاباتی؛

- ارج نهادن به نخبگان قومی به عنوان راهبر جنبش‌های قومی؛

- تعریف کرسی مربوط به تدریس به زبان مادری در حوزه مأموریت وزارت
آموزش و پرورش با هدف توقف یا کاهش ضعف و زوال تدریجی
زبان‌های محلی و به‌منظور رعایت حقوق فرهنگی و تحصیلی مربوط به
آموزش زبان مادری اقلیت‌ها؛

- تقویت زیرساخت‌های شبکه‌ای رسانه‌ها به‌منظور نشر فرهنگ احترام به
یکدیگر در میان اقوام و با هدف ایجاد هم‌بستگی فرهنگی میان اقوام؛

- سرمایه‌گذاری در زمینه گردش‌گری روستایی با توجه به برخی تجارب
موفق در سطح کشور (ایجاد ظرفیت توریسم پزشکی در منطقه با توجه
به‌وجود آبدرمانی)؛

- تلاش بیش‌تر دولت در تقویت زیرساخت‌ها و زیربناها در راستای
محرومیت‌زدایی از منطقه؛

- ترویج فرهنگ گفت‌وگو در جامعه، شفافیت‌بخشی در جامعه و اصلاح
ساختارهای اجتماعی معیوب، ترویج آداب تقویت‌کننده دوستی و عفو و
بخشش به‌منظور از بین بردن خشم و نفرت و کینه‌توزی عمومی در
منطقه؛

سپاس‌گزاری

از اساتید راهنما و مشاور که در کمال سعه‌صدر و با حسن‌خلق و
فروتنی، مرا در این عرصه یاری کردند، تشکر می‌کنم.



منابع

- ایستگاه سینوپتیک خلخال. (۱۴۰۰). اداره هواشناسی.
- جعفری، عباس. (۱۳۷۹). گیتاشناسی ایران. جلد ۱. تهران: نشر گیتاشناسی.
- حافظ‌نیا، محمدرضا. (۱۳۸۵). تأثیر خودگردانی کردهای شمال عراق بر کشورهای همسایه. فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۸۳.
- حافظ‌نیا، محمدرضا. (۱۳۹۶). اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک. مشهد: نشر پاپلی.
- دلارامی‌فر، منصوره. (۱۳۹۵). انگیزه و الگوهای رمزگردانی در میان گویشوران سیستانی بر اساس دیدگاه گایلز. دوفصلنامه زبان‌شناسی گویش‌های ایرانی. دانشگاه شیراز، ۱ (۱)، صص ۱۱۶-۱۴۲.
- رحمتی‌نژاد، پروین؛ شاهی صدرآبادی، فاطمه؛ حسینی شریف، سیده زهرا و خسروی، زهره. (۱۳۹۶). زمینه‌های فرهنگی-اجتماعی آسیب‌شناسی روانی در گروه‌های اقلیت. مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی. موجود در آدرس: <https://www.sid.ir/paper/891160/fa>
- زرقانی، سید هادی و بخشی شادمهری، فاطمه. (۱۳۹۴). بررسی و تحلیل متغیرهای مؤثر بر الگوی رفتاری قومیت‌ها. هشتمین کنگره انجمن ژئوپلیتیک ایران هم‌دلی اقوام ایرانی انسجام و اقتدار ملی. موجود در آدرس: <https://civilica.com/doc/433273>
- سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح. (۱۳۷۷). فرهنگ جغرافیایی-آبادی‌های کشور (بندر انزلی). جلد ۱۵.
- صالحی‌امیری، سید رضا. (۱۳۸۵). مدیریت تنوع قومی مبتنی بر نظریه‌های سرمایه اجتماعی. فصلنامه راهبرد، شماره ۴۰.
- صالحی‌امیری، سید رضا. (۱۳۸۶). شناخت چالش‌ها و بحران‌های قومی. پژوهشنامه فرهنگی و اجتماعی پژوهشکده تحقیقات استراتژیک، شماره ۸، بهار ۱۳۸۶، صص ۱۳-۵۰.
- صمدزاده، حسن. (۱۳۹۴). سیری در تاریخ سیاسی کردهای خلخال. چاپ دوم. تهران: موسسه مطالعات تاریخ معاصر.



- صمدزاده، حسن. (۱۳۹۴). جامعه‌شناسی کردهای خلخال. تهران: انتشارات نخبگان.
- فلیک، اووه. (۱۳۹۱). درآمدی بر تحقیق کیفی. ترجمه هادی جلیلی. چاپ پنجم. تهران: نشر نی.
- نایب‌پور، محمد و ویسیان، محمد. (۱۳۹۸). آمایش سرزمینی اقوام در مرزهای ایران. تهران: انتشارات دانشگاه علوم انتظامی امین.
- یآوری بافقی، امیرحسین؛ مستجابی سرهنگی، حمید و اسماعیلی، احمدرضا. (۱۳۹۲). تحلیلی بر تأثیر هم‌گرایی ملی اقوام ایرانی بر امنیت عمومی جمهوری اسلامی ایران. پژوهشنامه نظم و امنیت انتظامی، ۶ (۲)، صص ۱۳۵-۱۵۷.
- Abrams, D. & Hogg, M. E. & Marcor, J. (2004). The Social Psychology of Inclusion and Exclusion. London: Routledge Press.
- Hiel, A. V. & Mervielde, I. (2001). Behavioral style of preferences of minority and majority members who anticipate group interaction. Ghent University, Belgium, Social Behavior and Personality: An international journal, 29(7), Pp. 701-710.
- Levine, J. M. & Prislín, R. (2020). Majority and minority influence. PsycInfo Database Record (c) 2020 APA.
- Lincoln, Y. S. & Guba, E. G. (1985). Naturalistic inquiry. Beverly Hills. CA: Sage.